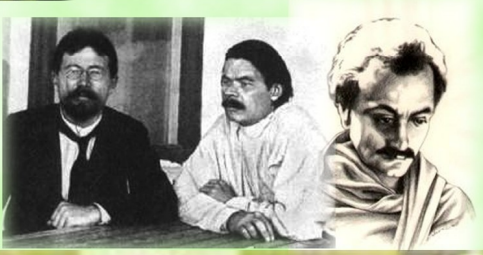
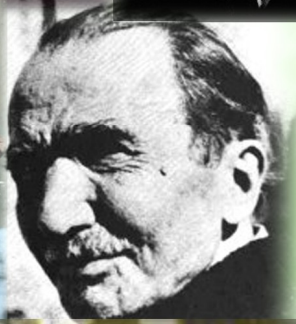
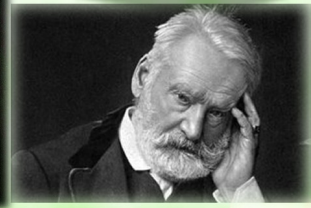
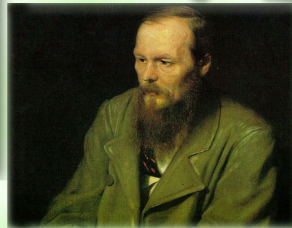
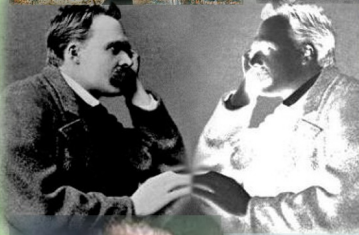
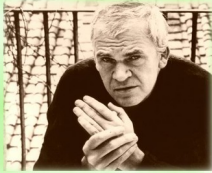
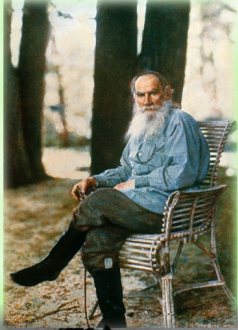


انقلابی ترین سخن ها

فخرالدین احمدی سواد کوهی



نام کتاب: انقلابی ترین سخن ها (جلد اول)
گرد آورنده: فخرالدین احمدی سوادکوهی
ناشر: مولف
سال: تیر ۱۳۹۱

به تمام رفقای مبارز و عدالتخواه دنیا



ماکسیم گورکی

- * هر عمل آگاهانه آدمی اجحافی است که بطرزی اجتناب ناپذیر نسبت به هموعش یا به شخص خودش اعمال می شود (ماکسیم گورکی)
- * مرد در جلوی زن زانو نمی زند مگر اینکه عاشق او باشد (ماکسیم گورکی)
- * مردی که حرف می زند هوشمند تر و فهمیده تر به نظر می آید (ماکسیم گورکی)
- * آدم های اصیل نیز که جانی و قرص و استوار دارند زنگ نمی زنند، یعنی ضربات تقدیر و بدبختی و غیره ایشان را از پای در نمی آورد. (ماکسیم گورکی)
- * گاهی مردها برای ادامه ی مردانگی اشان وقت کم می آورند (ماکسیم گورکی)
- * آن چیزی را که در اخلاق انسانی به قابلیت ترکیب تعبیر می کنند ، اغلب چیزی نیست بجز آنچه آن انسان از خودش در می آورد (ماکسیم گورکی)
- * موسیقی زیباترین چیز دنیا است، چون همیشه از عشق می تراود (ماکسیم گورکی)
- * منظور اصلی و اساسی از هردانشی اثبات یک سلسله حقایق بسیار ساده و آسان فهم و اطمینان بخش است (ماکسیم گورکی)
- * آدم باید جوانمرد باشد (ماکسیم گورکی)
- * آنان که عاقلترند هر چه هست می برند و کسانی که نادان ترند هیچ چیز نصیبشان نمی شود و هر کس در مکتب زندگی با استعداد خود چیزی فرا می گیرد (ماکسیم گورکی)
- * سیر شدن مرد از عشق یک زن نشانه ی آن است که او هرگز عاشق زن نبوده است (ماکسیم گورکی)
- * در زندگانی نه با عقل ، بلکه با دل قوی می توان به موفقیت نایل شد (ماکسیم گورکی)
- * انسان برای ساختن زندگانی روی زمین مامور شده است. انسان سرمایه است (ماکسیم گورکی)
- * زندگانی ارزش هر یک از ما را بخوبی می داند و قبل از موقع جریان ما را متوقف نمی سازد (ماکسیم گورکی)

- * هر کس آنطور که می فهمد سخن می گوید (ماکسیم گورکی)
- * اندیشه ی مرگ برای زندگان دیوانگی است (ماکسیم گورکی)
- * ما باید زندگانی را طبق نمونه و سرمشق خود درست کنیم (ماکسیم گورکی)
- * مردمی هستند که برای تمام افراد بشر در روی زمین سعادت و خوشبختی را آرزو می کنند و در این راه منظور عالی شب و روز می کوشند و رنج می برند و در این راه از میان می روند (ماکسیم گورکی)
- * باید آرزومند باشی که بهتر شوی (ماکسیم گورکی)
- * وقتی انسان به زندگانی نشاط بخش عادت کند و اگر چیزی نتواند او را شادمان کند به وی بسیار بد خواهد گذشت (ماکسیم گورکی)
- * کار انسان بجایی می کشد که رفته رفته از خود می ترسد (ماکسیم گورکی)
- * در شکوه و ناله مردم همیشه عقل و خرد بسیار نهفته است. عقل و خرد همان درد و اندوه است (ماکسیم گورکی)
- * انسان خود زندگانی است. بجز انسان زندگانی دیگری وجود ندارد (ماکسیم گورکی)
- * زندگانی مثل گردبادی است، باید راه خود را در میان آن پیدا کرد (ماکسیم گورکی)
- * در زندگی هیچ چیزی زائد نیست (ماکسیم گورکی)
- * مردمی که بجای دل مرده قریحه عظیم خودپرستی نفرت انگیزی را در سینه دارند زائد خواهند بود (ماکسیم گورکی)
- * گرابنهاتر از انسان هیچ چیز نیست (ماکسیم گورکی)
- * جهان به یک شب تار می ماند، هر کس چراغی برای خود بیفروزد (ماکسیم گورکی)
- * ارزش انسان به فهم و کمال اوست نه به اصل و نسب (ماکسیم گورکی)
- * سرنوشت را ما برای آن خلق کرده تا هر یک مکمل دیگری باشیم (ماکسیم گورکی)
- * وقتی هر کس می خواهد از دیگری برتر باشد ، چگونه ممکن است همه ی مردم سعادت مند و همگی با هم برابر باشند؟ (ماکسیم گورکی)
- * اگر درختی در جوانی کج شد و تاب باد مخالف را نیاورد، بی شک در پیری خواهد شکست (ماکسیم گورکی)
- * باید همیشه به عشق آنچه برای تو قابل وصول نیست زندگی کنی. انسان اگر پیوسته دستش را بطرف بالا بکشد ، درازتر می شود (ماکسیم گورکی)
- * ارزش انسان در ثبات و پایداری او در برابر زندگی و مشکلات آن است (ماکسیم گورکی)
- * فقط احمق ها خودنمایی می کنند (ماکسیم گورکی)
- * هر چه پیکار و زحمت بیشتری برای تحصیل چیزی مصرف شود، بهمان اندازه آن چیز شیرین تر است (ماکسیم گورکی)
- * این کار کوچک نیست که کسی مجازات اعمال خود روی گردان نباشد (ماکسیم گورکی)
- * وجدان تنها در برابر ناتوانان و ضعفا شکست ناپذیر و مغلوب ناشدنی است (ماکسیم گورکی)
- * دلسوزی تنها حماقت است (ماکسیم گورکی)
- * مردی که خیلی آه و ناله و آخ و واخ راه می اندازد، به یک شاهی نمی ارزد و لایق دلسوزی نیست (ماکسیم گورکی)
- * فقط به کسی کمک کن که در منتهای بدبختی هم با ثبات و محکم بماند (ماکسیم گورکی)
- * تنها آموختن مطالب کتاب کافی نیست ، باید بکار بستن آنرا هم آموخت. این عمل از آموختن هر کتابی دشوارتر است و در کتابها در این باب چیزی نوشته نمی شود. این را باید از زندگانی آموخت (ماکسیم گورکی)
- * انسان باید خویشتن را برای وظایف و کارهای خود محافظت کند و راه خود را دقیقاً بشناسد (ماکسیم گورکی)
- * انسان هم مانند ناخدای کشتی است. در جوانی دریای بیکرانی در برابر تو گسترده شده است. مستقیم پیش برو، چون همه ی راه ها در برابر تو باز است (ماکسیم گورکی)
- * البته موجودات پست و روانپریشی وجود دارند که به نحوی بیمار گونه از رنج هموعانشان لذت می برند (ماکسیم گورکی)

- * باید تنهایی، تنهایی درونی را بیاموزیم (ماکسیم گورکی)
- * اتلاف گرانبهاترین نیروی خلق جنایت است ، زیرا این نیرو فقط در صورتی موجب رفاه و سعادت خلق می شود که در جایگاه طبیعی خود مصرف شود. (ماکسیم گورکی)
- * ما انسان های با استعداد کم داریم اما تا دلتان بخواهد آدم متقلب و بی شرف و ماجراجو در اطافمان هست (ماکسیم گورکی)
- * هلاک کردن دانشمندی های پیر و نیمه جان از گرسنگی یا زندانی کردن یا رها کردن آنها بدست احمقهایی که دیوانه ی قدرتند ، کاری ثمر بخش نیست بلکه توحش است (ماکسیم گورکی)
- * به عقیده من ثروت هر کشور و قدرت هر ملت را باید با کمیت و کیفیت ذخیره روشنفکری آن سنجید (ماکسیم گورکی)
- * انقلاب فقط زمانی خواهد داشت که به رشد و گسترش این ذخیره روشنفکری کمک کند (ماکسیم گورکی)
- * ما خیلی چیزها را به صرف اعتماد پذیرفته ایم (ماکسیم گورکی)
- * حقیقت را از بوی آن می توان شناخت. بوی حقیقت تند و زنده است (ماکسیم گورکی)
- * حقیقت نیز اشک به چشم آدم می آورد (ماکسیم گورکی)
- * حقیقت با نزاکت وجود ندارد (ماکسیم گورکی)
- * افسوس که مردان شجاع و با اراده دیگر پیدا نمی شوند (ماکسیم گورکی)
- * بدون هیچ عشقی زندگی برای بشر ممکن نیست (ماکسیم گورکی)
- * اصلا به بشر قلب و روح داده شد که دوست داشته باشد (ماکسیم گورکی)
- * آدم های ساده و معمولی با وجدان ترند (ماکسیم گورکی)
- * حتی گمراه ترین و فاسد ترین زنها هم بیشتر از ما خجالت می کشند و شرم دارند (ماکسیم گورکی)
- * باید زندگانی اجتماعی را طوری ترتیب داد که هر کس راحت تر و آسوده تر باشد و هیچکس باعث آزار و مزاحمت دیگران نشود (ماکسیم گورکی)
- * سخت است آدم کاری کند که برای تمام عمر روحش ناپاک شود (ماکسیم گورکی)
- * آنان که عاقلترند هر چه هست می برند و کسانی که نادان ترند هیچ چیز نصیبشان نمی شود و هر کس در مکتب زندگی به استعداد خود چیزی فرا می گیرد (ماکسیم گورکی)
- * سیاحت کن یا بگرد، اما مدت زیادی در یک محل توقف مکن. ماندن در یک جا فایده ندارد (ماکسیم گورکی)
- * از جوانی چیزی در جهان بهتر نیست. گرانبهاتر از آن چیزی یافت نمی شود. جوانی مانند طلای ناب است (ماکسیم گورکی)
- * عشق برای روح بیمار زهر نیرومندی است و برای روح سالم چون آتش است که آهن را به پولاد مبدل می سازد (ماکسیم گورکی)
- * انسان متمدن کسی است که کار و نظم زندگانی را دوست می دارد و در راه تهیه زندگانی می کوشد. کسی که زندگانی را دوست دارد، ارزش خود و ارزش زندگانی را می داند. (ماکسیم گورکی)
- * هیاهو ، داد و بیداد همیشه از بی ثمری و بی ماندگی است (ماکسیم گورکی)
- * اشخاص نابالغ و برای تیره سستی و تنبلی خود بهانه ای می تراشد (ماکسیم گورکی)
- * سیلی تنها گوش را می آزاد ، ولی با اینحال دل به تپش ادامه خواهد داد (ماکسیم گورکی)
- * انسان چون عالم است آنکس که تمام عالم را در نهاد خود دارد تا ابد زنده و جاوید خواهد بود (ماکسیم گورکی)
- * انسان خوشبخت و سعادت مند انسانی است که بیشتر به خود و داشته هایش متکی باشد تا به کمک دیگران (ماکسیم گورکی)
- * وقتی چیزی برای از دست دادن نداری چگونه نابود می شوی؟ (ماکسیم گورکی)
- * روح آدمی ناله ایست که به آسمان صعود می کند (ماکسیم گورکی)

* بزبان عادی انسان تنها یک کلمه وجود دارد که مفهوم آن برای همه کس آشکار و در نظر همه کس گرانبها و اگر این کلمه را تلفظ کنند آهنگ آن چنین است (آزادی) (ماکسیم گورکی)

* هر کس باید کاری در آن استعداد و مهارت دارد انجام دهد. برای این منظور باید حقیقت اراده و میل مردم را آزاد گذاشت (ماکسیم گورکی)

* از یک گندم یک خوشه می روید و هرگز نباید اجازه داد که انسان بدون استفاده از میان برود (ماکسیم گورکی)

* انسان هم باید مفید و از آخرین رگ و ریشه او در کار استفاده شود (ماکسیم گورکی)

* هر زباله ای در زندگی جای مخصوص دارد، اما انسان هرگز زباله نخواهد بود (ماکسیم گورکی)

* اگر قدرت با فهم و عقل توام نباشد بسیار بد است. فهم و عقل بدون قدرت هم خوب نیست (ماکسیم گورکی)

* حتی میان کتافات هم ممکن است انسانی یافت شود که پاکتر از کسی باشد که لباس حریر در بردارد (ماکسیم گورکی)

* هر چیز در دنیا برای هدف و مقصودی است (ماکسیم گورکی)

* همه چیز برای انسان است. اما انسان برای چیست؟ (ماکسیم گورکی)

* انسان دیگر زحمت نمی کشد و اگر انسان زحمت نکشد فانی و نابود می شود (ماکسیم گورکی)

* اگر انسان کار کند و زحمت بکشد وقت گناه کردن ندارد (ماکسیم گورکی)

* انسان هم در نتیجه آزادی نابود می شود و از میان می رود، انسان آزادی بود خواهد شد (ماکسیم گورکی)

* مردم تنها کسی را محترم می شمردند که از او می ترسند (ماکسیم گورکی)

* هر کس باید آنچه‌آنکه هست باقی بماند (ماکسیم گورکی)

* زندگی به این جهت به ما عطا شده که زندگانی کنیم. پس باید زندگانی کرد و مانع زندگی دیگران نشد (ماکسیم گورکی)

* انسان تنها یکبار در این دنیا زندگانی می کند، به این جهت شایسته است که در زندگانی شتاب کند (ماکسیم گورکی)

* چرا خوب کیفی می شود؟ از فقدان و کمبود حرکت و جنبش، پشه ها از کجا می آیند؟ از مرداب ها، در آب ساکن هر نوع حشره موذی تولید می شود (ماکسیم گورکی)

* نویسندگان فداکارترین مردمانند. شخصیت‌های درخشان هستند. بدنبال منافع شخصی خویش نمی روند، بلکه تنها طالب حقیقت و عدالتند (ماکسیم گورکی)

* حقیقتی نیز وجود دارد که چون مانند سنگی بر فرق آگاهی فرود می آید آرزوی زیستن را در وی می کشد (ماکسیم گورکی)

* به مردم برای فکر کردن آزادی کامل داده شده ولی مردم اختیار و اجازه ی انجام هیچ عملی را ندارند. به این جهت مردم زندگانی نمی کنند، بلکه می پوسند و می گندند (ماکسیم گورکی)

* من در نهایت آشفته‌گی هستم و در واقع من حق ندارم افکارم در اثنای رنج کشیدن سخن بگویم (ماکسیم گورکی)

* معنی حیات را در زیبایی و رد قدرت باید جستجو کرد. هر لحظه از زندگی ما باید هدف عالیتیری داشته باشد (ماکسیم گورکی)

* کشوری از روشنفکرانش محروم شود، به عقب بازخواهد گشت (ماکسیم گورکی)

* وقتیکه تعصب سرد باشد، حتی از توفان برف هم سردتر است (ماکسیم گورکی)

* من نمی فهمم که چطور ممکن است اینگونه بیهوده زنده بپوسید و تجزیه شد (ماکسیم گورکی)

* کینه و قهر اغلب در سکون عمل می کند (ماکسیم گورکی)

* واژه هایی چون شرافت، انسانیت و نیکی هیچ گاه به اندازه ی امروز اهمیت نداشته اند، زیرا روزهای وحشتناک انسان را که روحش طی قرن‌ها با شکنجه ی قلب و رنج های اندیشه پرورده شده است در معرض نابودی قرار داده است (ماکسیم گورکی)

* ستاره ای بزرگ را حتی هنگامیکه ماه از پس ابر سر در می آورد، می توان دید (ماکسیم گورکی)

* چنین است قانون زندگی! هنوز نیمی از ساغر را سر نکشیده ای که دست دیگری برای سر کشیدن نیم دیگر بسویت دراز می شود (ماکسیم گورکی)

* کافی ست که انسان یک بار کاری بر خلاف میل خود انجام دهد و برای همیشه قابل احترام به نفس خود را از دست بدهد (ماکسیم گورکی)

* روح فقط وقتی آزاد است که هیچ چیز را دوست نداشته باشد (ماکسیم گورکی)

* ترانه ی آزادی با ترانه عشق سازگار و هماهنگ نیست (ماکسیم گورکی)

* اگر کسی دوست داشته باشد و دلش بحال دیگری بسوزد و یا چیزی بخواهد و از چیزی بترسد دیگر آزاد نیست (ماکسیم گورکی)

* عشق را فقط بدین جهت لذت می نامند که درد و رنج بسیار شدیدی است (ماکسیم گورکی)

* سطح فرهنگ همیشه با عشق و علاقه متناسب است (ماکسیم گورکی)

* هر چه سطح فرهنگ بالاتر رود ، به همان اندازه حواجی مردم بیشتر بر آورده می شود. (ماکسیم گورکی)

* همان اندازه میزان موانع اشکالات انسان در راه تکامل کمتر خواهد بود (ماکسیم گورکی)

* سعادت و نیکبختی عبارت است از ارضای کامل حواجی و ضروریات تا حد امکان (ماکسیم گورکی)

* سعادت انسانی متناسب است با رابطه او با زحمت و کاری که انجام می دهد (ماکسیم گورکی)

* آینده متعلق به زحمتشکان شرافتمند است (ماکسیم گورکی)

* زندگانی به کسی که قدر و قیمت خود را می داند، مسلط نخواهد شد (ماکسیم گورکی)

* تمام نیرو و قدرت انسان در خون اوست (ماکسیم گورکی)

* بدبختی اکثریت مردم به جهت آنست که ایشان خود را برای کارهای بزرگ که به انجام آن قادر نیستند، شایسته و مستعد می دانند (ماکسیم گورکی)

* باید فهمید مقصود از زندگانی چیست؟ (ماکسیم گورکی)

* انسانها هر اندازه هم خوب باشند ، باز به گروه هایی همچون مردان، گورکنان تقسیم می شوند و این منشاء همه ناراحتی ها و حماقت هاست (ماکسیم گورکی)

* امیدهایی که فقط امکان تفکر درباره آینده را بدهد مانع کوی صحیح زمان حال است و موجب تکامل بی اعتنایی و لاقیدی نسبت به آن می شود (ماکسیم گورکی)

* انسان همه چیز را با مقیاس کوشش های خود اندازه می گیرد (ماکسیم گورکی)

* فقط روح آدمی مهم است و تنها روح شایسته قابل تحسین و ستایش است (ماکسیم گورکی)

* حقیقتی وجود دارد که دانستن آن برای آدمی ضروریست و با شعله شرم ، آلودگی و ابتذال را می سوزاند و از دل می زاید. (ماکسیم گورکی)

* عرق پیشانی کارگر حقیقی ترین حقیقت هاست (ماکسیم گورکی)

* گل بی آفتاب نمی شکفتد و سعادت بدون عشق بوجود نمی آید (ماکسیم گورکی)

* از سر نه ، از قلب باید شروع کرد (ماکسیم گورکی)

* من مخالف سر سخت رنج بردن جسمی و روحی هستم (ماکسیم گورکی)

* باید از رنج بردن نفرت داشته باشیم تا بتوانیم آن را از بین ببریم. رنج بردن کرامت انسان را که موجودی عظیم و تراژیک است ، تنزل می دهد و از بین می برد (ماکسیم گورکی)

* انسان در راه دفاع از حقیقت از هیچ روی گردان نیست و متنفر نیست (ماکسیم گورکی)

* فقط روح آدمی مهم است و تنها روح او شایسته ی تحسین و ستایش است (ماکسیم گورکی)

* حقیقتی نیز وجود دارد که چون مانند سنگی بر فرق آدمی فرود آید آرزوی زیستن را در وی می کشد (ماکسیم گورکی)

* قلب دندان نیست که بتوان با مسواک و خمیر دندان آن را پاک کرد (ماکسیم گورکی)

* مادران بیچاره به سببی همیشه دوران دختری خود را فراموش می کنند و به این جهت فریاد و هیاهوی زائد بر پامی شود، اما این فریاد ها و هیاهوها بیجهت مانع آن نیست که دختران به راه خود بروند (ماکسیم گورکی)

* اگر کسی دوست داشته باشد و دلش بحال دیگری بسوزد یا چیزی بخواهد و از چیزی بترسد دیگر آزاد نیست (ماکسیم گورکی)

* مرگ نیز حتما آزادی ندارد. هرگز لحظه ای دست بر هم نمی گذارد. پیوسته کار می کند و کار می کند(ماکسیم گورکی)

* عشق را به این جهت لذت می نامند که درد و رنج بسیار شدیدی است(ماکسیم گورکی)

* در دنیا هیچ چیز نیست که قبلا وجود نداشته باشد(ماکسیم گورکی)

* هیچکس به ابتکار خود نمی میرد(ماکسیم گورکی)

* به عقیده ی من امید هایی که فقط تفکر درباره آینده را بدهد مانع درک صحیح زمان حال است و موجب تکامل بی اعتنائی و لاقیدی نسبت به آن می شود(ماکسیم گورکی)

* نگهداری ثروت به مراتب دشوار تر از کسب آن است(ماکسیم گورکی)

* اگر تکبر نبود، قسمت عمده ای از جنگهای بشری به وجود نمی آمد(ماکسیم گورکی)

* خدا چیزبست (ساختگی) و زائیده ی فقر یکنواخت زندگی و آرزوی مبهم انسان در راه ایجاد یک زندگی غنی تر، راحت تر و عادلانه تر و عالیتر. (ماکسیم گورکی)

* در وجدان هر کس لکه ای هست(ماکسیم گورکی)

* عده ی زیادی از مردم در برابر این بزک هایی که روحشان را پوشانده است، خیلی بی قیدند. آنها این لکه را مانند پیراهن یقه داری که بتن داشته باشند، به آسانی با خود حمل می کنند(ماکسیم گورکی)



ارنستو چه گوارا

- * تلاش های تک نفره ، ایده های شخصی و مطالبات انفرادی هرگز به انقلاب و بالاتر از آن، پیروزی نخواهد رسید (چه گوارا)
- * اینکه در گوشه ای از این قاره ی پهناور نشستن و تک و تنها نقشه ای فراهم کنی تا علیه استعمار و به نفع مستضعف دست به قیام بزنی، هرگز سرانجام شیرین و خوشی نخواهد داشت (چه گوارا)
- * هر کس باید ابتدا معمار وجود خود و رفتار خود باشد و بعد به فکر ساختن دیگران (چه گوارا)
- * آنچه به شما و نسل های آینده درس معرفت و مردانگی می دهد، انقلاب است (چه گوارا)
- * هر فرد انقلابی باید تلاش کند تا در تمام زمینه های زندگی بهترین و بالاترین جایگاه را کسب کند تا هیچ فرد یا گروه قدرت مقابله با او را پیدا نکنند (چه گوارا)
- * مرد واقعی کسی است که گونه هایش نسیمی را که گونه های دوستش را نوازش می دهد، احساس کند (چه گوارا)
- * قلب خود را از اینکه جهان پیرامونتان بیشتر در جهل و گمراهی ، فساد و تباهی ، ظلم و بی عدالتی غوطه ور گردد نجاتش دهید (چه گوارا)
- * تجربیات دیگران را بی ارزش ندانید، بلکه آگاه باشید در مدرسه زندگی استفاده از تجربه دیگران، بهره گیری از بالاترین و با سوادترین استاد خواهد بود (چه گوارا)
- * نسل های ما طعم آزادی حقیقی را خواهند چشید و ما برای آنها هر که شده سخت ترین و دردناک ترین رنج ها را تحمل می کنیم تا روزی جهان به عدل و صلح واقعی دست پیدا کند و همه ی مردم در کنار هم خوش و خرم زندگی کنند (چه گوارا)
- * حق دادنی نیست، گرفتنی است (چه گوارا)
- * یک انقلاب ثمره ی طاقت فرسای صدها، هزارها و شاید میلیون ها انسان هدف دار است (چه گوارا)
- * یک فرد انقلابی کارگری است خستگی ناپذیر و بالاتر از آن منظم و سازمان یافته در خدمت جمع است (چه گوارا)
- * زندگی مطالبی را به انسان می آموزد که حتی پرسودترین کتاب ها و خردمندترین متفکران حتی اشاره ای هم به آنها نمی کنند (چه گوارا)

* روستاییان به ما درس زندگی آموختند و ما به آنها درس انقلاب (چه گوارا)

* ارزش نبرد مسلحانه علیه استبداد بسیار بالاتر از تظاهرات خاموش چند صد نفری است (چه گوارا)

* هیچ کشوری ، هیچ ملتی ، هیچ گروهی نمی تواند نام خود را انقلابی بگذارد ، مگر اینکه قبل از هر کاری اقدام به تصاحب املاک به نفع مردم از ملاکین بزرگ نماید (چه گوارا)

* آن دولتی انقلابی و مردمی است که در راه جابجایی مالکیت زمین های بزرگ به مالکین حقیقی آنها یعنی کشاورزان و روستاییان تهیدست هیچ شک و تردیدی به خود راه ندهد (چه گوارا)

* هر کس صدایش جدای از صدای انقلاب و مردم انقلابی باشد، قطعاً از صحنه روزگار محو و در میان انبوه جمعیت ناپدید خواهد شد (چه گوارا)

* ما باید به پشت سرمان نگاه کنیم، برای رفتن به جلو، تنها به جلو، نگاه کردن کافی نیست، باید بدانیم چه چیزی از خودمان بر جای گذاشته ایم (چه گوارا)

* هنگامی که هدف خود را خدمت به جمع و ملت قرار می دهید چنان شیرینی نصیبتان می گردد که مزه تلخی هر ناکامی و دوری از امیال شخصی از یادتان می رود (چه گوارا)

* جوانی یعنی ذهن خلاق، جوانی یعنی قدرت تجزیه، جوانی یعنی آسان نپذیرفتن هر شنیده ، جوانی یعنی مخالفت با قالب های سنتی خشک و بی منطق (چه گوارا)

* چه کسی می تواند بگوید از بودن یکسری صفات نیکو برای جوانان این مردم محال و نشدنی است؟ (چه گوارا)

* یک جوان انقلابی هرگز در مرزهای خاکی محصور و محدود نمی گردد، او تمام جهان را خانه و همه ی مردم را خانواده خود می داند (چه گوارا)

* جوانی که از خود خلاقیت نشان ندهد، اصلاً جوان نیست یا بهتر بگوییم اصلاً زنده نیست (چه گوارا)

* محدودیت فکری و عدم خلاقیت عامل اصلی تقلید کورکورانه است (چه گوارا)

* برای دفاع از جامعه و خاک و سرزمین ، ابتدا باید آن را شناخت، به آن شکل بخشید و بعد در فکر دفاع از آن بود (چه گوارا)

* کار با ارزش ترین چیز در زندگی است (چه گوارا)

* مردم یعنی توده ی هنوز بیدار نشده ای که باید بیدار شوند و پیشتر از آن یعنی چریک ها که نیروی محرکه ی این بسیج و عامل نشر آگاهی و شور و شوق مبارزه جویی است (چه گوارا)

* در جامعه سرمایه داری ، قوانین مبتنی بر بی رحمی بر انسان حکم فرماست که او معمولاً از درکش عاجز است. این انسان از خود بیگانه شده با یک بندناف نامرئی، یعنی قانون ارزش، به کل جامعه سرمایه دار وصل است. این قانون بر همه ی جوانب زندگی او اثر می گذارد و مسیر و سرنوشت او را تعیین می کند (چه گوارا)

* جامعه ی جدیدی که در حال شکل گیری است، دائماً بادی به رقابتی سخت با گذشته برخیزد. گذشته نه تنها آگاهی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد و این ناشی از فشار سنگین بقای آموزشی سیستماتیک فرد را در انزوا قرار می داند ، بلکه به لحاظ ماهیت این دوره ی انتقالی و زیر سلطه ی روابط کالایی، راهی برای اثر گذاری فراهم می کند (چه گوارا)

* مبارزه برای آزادی از یوغ یک قدرت استعمارگر خارجی، تنگدستی و نکبت ناشی از وقایع خارجی مانند جنگ طبقات ممتاز همواره بارگران عواقب آن را برگرداند ی محرومان می اندازد و یا جنبش های آزادیبخش که در پی سرنگون ساختن رژیم های نو، استعماری هستند. مابقی کار را عمل آگاهانه به انجام می رساند (چه گوارا)

* برای ساختن کمونیسم لازم است هم زمان با ساختن زیربنای های مادی نوین، انسان نوین نیز ساخته شود (چه گوارا)

* انتخاب ابزار صحیح برای بسیج توده ها بسیار مهم است. اساساً این ابزار ماهیتی اخلاقی داشته باشند، در ضمن نباید استفاده ی صحیح از انگیزه های مادی، به ویژه انگیزه های دارای خصلت اجتماعی را فراموش کرد (چه گوارا)

* سرمایه داری این عقیده را به ارمان آورده است: اختلاف طبقاتی کار تقدیر است، ولی فرد می تواند با تلاش و ابتکار و چیزهایی از این قبیل از طبقه ی خود به طبقه ی بالاتری ارتقا یابد. کل این جریان افسانه ای مرد خود ساخته، تزویر و ریاست: نمایشی است ساختگی برای جازدن دروغ به عنوان حقیقت (چه گوارا)

* انسان ها هر روز آگاهی بیشتری می یابند در جامعه ادغام شوند و نیز به اهمیت خویش به منزله ی نیروی محرکه ی جامعه بیشتر پی می برند (چه گوارا)

* نمودار عقب ماندگی نسبی در کسب آگاهی اجتماعی است (چه گوارا)

* لازمه ی کسب موفقیت کامل، یک رشته مکانیسم و نهادهای انقلابی است(چه گوارا)

* زمانی که زنجیره های از خود بیگانگی فرد از هم بگلسد، می تواند انسانیت خود را به طور کامل تحقق بخشد(چه گوارا)

* کار کردن دیگر متضمن آن نیست که بخشی از وجود فرد، به شکل نیروی کار فروخته شده به غیرواگذار شود که دیگر به او تعلق ندارد بلکه کار عرصه ای می شود برای تجلی خود انسان، ادای سهمی می شود به زندگانی مشترکی که فرد انعکاس خویش را در آن می بیند و بالاخره این که کار به معنای انجام وظیفه اجتماعی فرد در می آید(چه گوارا)

* انسان باید با رهایی از فشار مستقیم محیط اجتماعی خود، و در استمرار پیوند با محیط از طریق عدالت نو و مفهومی جدید کار به یک نوزایی کامل معنوی نایل گردد و کمونیسم یعنی همین(چه گوارا)

* همانطور که تغییر و تحول در اقتصاد، خود به خود انجام نمی گیرد، در آگاهی فرد هم این امر خود به خود نیست. تغییرات در آگاهی آهسته صورت نمی گیرد و آهنگ موزونی ندارد. گاه شتاب تغییرات تند است و گاه کند و در مواردی حتی سیر قهقراپی دارد(چه گوارا)

* فقط صاحبان استعدادهای فوق العاده ممکن است بتوانند اثر واقعی خود را بیافرینند. مابقی به جرگه ای جیره خواران بی آبرو می پیوندند و زیر فشار له می شوند (چه گوارا)

* آنان که دست از پا خطا نکنند باران از آفرین بر سرشان فرو می ریزد، از آن آفرین هایی که یک میمون برای ادا و اطوار در آوردن هایش می گیرد، به هر حال شرط بندی لازم آن است که هنرمند، خیال گریز از قفس نامرئی اش را به خود راه ندهد (چه گوارا)

* عقاید جدید به نحو مطلوبی در درون جامعه قوام می گیرند و توده های وسیع به درجات بالاتری از رشد می رسند (چه گوارا)

*درخت نارون ممکن است از طریق پیوند گلابی بدهد، ولی ما باید به فکر کاشتن درخت گلابی هم باشیم(چه گوارا)

* انقلاب را انسان ها به سر انجام می رسانند و انسان باید روحیه ی انقلابی اش را هر روز صیقل بدهد (چه گوارا)

این نوع مبارزه به ما فرصت می دهد تا به یک انقلابی یعنی به عالی ترین شکل نوع انسان تبدیل بشویم، و در عین حال ما را قادر می سازد تا انسان کامل بشویم. آن کسانی که نمی توانند به یکی از این دو درجه نایل شوند باید مبارزه را ترک کنند (چه گوارا)

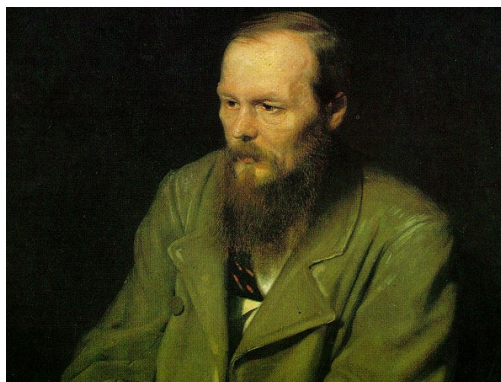


کازانتزاکیس

- * قلب انسان وقتی بی شرم است که شادی‌ها را نپذیرد و با درد و غم دمساز شود (کازانتزاکیس)
- * ثروتمندان به فقرا مدیون هستند (کازانتزاکیس)
- * چنانچه گناهی را اعتراف می‌کنی طول نمی‌کشد که آن گناه لوٹ می‌گردد و دیگر گناه نخواهد بود (کازانتزاکیس)
- * وظیفه انسان آزاد این است که خلاف جهت حرکت کند (کازانتزاکیس)
- * بالاتر از سخن گفتن چیست؟ عمل. چیست که بالاتر از کردار و عمل است؟ خاموشی. (کازانتزاکیس)
- * فضیلت در همه جا ظرفیت آن را دارد که بشکفتد و بار آورد (کازانتزاکیس)
- * اگر موجودی در آن سر دنیا کشته شود ما هم کشته می‌شویم. اگر کسی نجات پیدا کند ما هم نجات می‌یابیم (کازانتزاکیس)
- * هر گاه انسان از فقر متأثر شود شیطان شادی می‌کند (کازانتزاکیس)
- * انسان بودن یعنی یک مبارز (کازانتزاکیس)
- * میان تمام موجودات فقط انسان گناه می‌کند (کازانتزاکیس)
- * انسان واقعی کسی است که از مرز انسان بگذرد (کازانتزاکیس)
- * رنج مادر به اندازه خود بزرگی، بزرگ است (کازانتزاکیس)
- * برای لب‌های انسان هیچ چیز فرح‌زاتر و راحت‌تر از حق نخواهد بود (کازانتزاکیس)
- * رسیدن به پیروزی حتی در پایین‌ترین مرحله عشق، به راهی منتهی می‌گردد که ما را بسوی حقیقت هدایت می‌کند (کازانتزاکیس)
- * همه موجودهای زنده تاریخچه‌ای مخصوص به خود دارند (کازانتزاکیس)
- * هر کس ثروت آرزو نکند، ثروتمند است، هر کس که ثروتمند باشد اما مال بیشتر آرزو کند، فقیر است (کازانتزاکیس)
- * معتبرترین کار روزانه نیز بخشی از سرنوشت انسان را می‌سازد (کازانتزاکیس)
- * ترحیم دو نوع است، یکی آنکه رنج می‌برد و یکی آنکه او همدرد می‌شود. عطوفت هم دو نوع است، آنکه می‌دهد و آنکه می‌گیرد. اما عشق فقط یکی است و از دو بخش متصل و واحد که جدا نشدنی است. تشکیل یافته، من و تو در آن نابود می‌گردد. معنی عشق، نابود گشتن بخاطر معشوق است (کازانتزاکیس)
- * با هر کس باید به اندازه ظرفیتش سخن گفت، فراتر از آن فریب است (کازانتزاکیس)
- * سایر آزادی‌ها خود بند هستند (کازانتزاکیس)

- * یک جنگ، جنگ دیگری به دنبال می آورد و این هم یکی دیگر و آنوقت خون ریزی بشری پایان نمی پذیرد (کازانتزاکیس)
- * از مفاکی تیره می آیم. در مفاکی تیره به پایان می رسیم و این درنگ درخشان را زندگی می نامیم (کازانتزاکیس)
- * شیطان عاقبت از ظلمت به نور تغییر شکل خواهد داد (کازانتزاکیس)
- * زمان موفق است، زمان بری همه کس وقت دارد (کازانتزاکیس)
- * زندگی ما در زمین رویای پر فریبی بیش نیست (کازانتزاکیس)
- * ما انسان ها تنها مسئول گناهان خود هستیم (کازانتزاکیس)
- * حتی ترس هم یاور رستگاری است. ترس هم مقدس و دوست انسان است (کازانتزاکیس)
- * حتی در وجود حقیرترین انسان، روح خدا خفته است (کازانتزاکیس)
- * بزرگترین جنون به عقیده ی من آن است که آدم جنون نداشته باشد (کازانتزاکیس)
- * تنها کسی آدم است که می خواهد آزاد باشد (کازانتزاکیس)
- * زندگی حتی برای آنهایی هم که خوشبخت اند، سخت است (کازانتزاکیس)
- * زمین بچه می زاید و بچه های خود را می خورد، سپس بچه های دیگر می زاید و آنها را نیز به همان شیوه می بلعد (کازانتزاکیس)
- * تفکر برای خود معدنی است (کازانتزاکیس)
- * بدا بحال آنکه نمی تواند گریبان خود را از چنگ بوداها و خداها و وطن ها و فکرها بیرون بیاورد (کازانتزاکیس)
- * دنیا بسیار وسیع تر از آن است که ما تصور می کنیم (کازانتزاکیس)
- * آدم با متمرکز کردن هوش و حواس خود روی یک چیز واحد می تواند معجزه بکند (کازانتزاکیس)
- * مادری که حتی در جانکاه ترین درد و رنج خرسند و خوشبخت است، چون حس می کند که از شکم فناپذیرش موجودی فناپذیر بیرون آمده است (کازانتزاکیس)
- * هر فکری که تاثیری واقعی داشته باشد وجود واقعی هم دارد (کازانتزاکیس)
- * بالاتر از حقیقت وظیفه دیگری بسیار مهم تر و بسیار انسانی تر وجود دارد (کازانتزاکیس)
- * آدم وقتی دل داشت دیگر همه چشم ها و دماغ های دنیا را هم داشته باشد بی ارزش است و اهمیتی به آنها نمی دهد (کازانتزاکیس)
- * راستی که این بشر چه موجود اسرار آمیزی است (کازانتزاکیس)
- * اگر ایمان داشته باشی یک تکه چوب کنده از یک در کهنه هم تبدیل به شیئی مقدس می شود و اگر ایمان نداشته باشی تمام صلیب مقدس یک لنگه در کهنه است (کازانتزاکیس)
- * روح همان جسم است و شاید جسمی است پر تحرک تر، شفاف تر و آزادتر و به هر حال همان جسم است و جسم نیز روح است. منتها روحی است اندک خواب خواب آلود و خسته از راههای دراز و کوفته از بار سنگین میراث ها (کازانتزاکیس)
- * پیش زنها آدم باید خودش را قویدل نشان بدهد (کازانتزاکیس)
- * زن واقعی از لذتی که می دهد، بسیار بیش از لذتی که از مرد می گیرد، محفوظ می شود (کازانتزاکیس)
- * حتی گناه هم می تواند راهی بسوی حق داشته باشد و حتی گناهکار هم می تواند به رستگاری دل ببندد (کازانتزاکیس)
- * وقتی همه چیز بر خلاف مراد است چه نشاطی برتر از اینکه روح خود را در بوته آزمایش بگذاریم تا ببینیم آیا استقامت و شهامت دارد؟ (کازانتزاکیس)
- * انسان واقعی هر بار که در باطن غالب است هر چند بظاهر مغلوب، احساس غرور نشاطی وصف ناپذیر می کند و مصیبت ظاهر بدل به سعادت و الا و خلل ناپذیر می گردد (کازانتزاکیس)
- * سعادت انجام وظیفه است و هر چه این وظیفه مشکل تر باشد سعادت عظیم تر است (کازانتزاکیس)
- * روح آدمی باید از مفرغ یا پولاد باشد نه از باد (کازانتزاکیس)
- * همین فهم است که تو را نابود خواهد کرد. تو اگر نمی فهمیدی خوشبخت بودی (کازانتزاکیس)

- * دریغا که ما هنوز به روح خود اطمینان نداریم (کازانتزاکیس)
- * عشق بسی نیرومند تر از مرگ است (کازانتزاکیس)
- * باید از راه دست به دهان رسید (کازانتزاکیس)
- * نژاد انسان فناناپذیر است (کازانتزاکیس)
- * فقر، سادگی و آزادی یکی هستند (کازانتزاکیس)
- * آیا همه ی امیدهای بزرگ در زمین به یک شیوه آغاز نمی شوند؟ (کازانتزاکیس)
- * وای که جدایی تدریجی از یاران عزیز چه تلخ است! بهتر آنکه انسان به یکباره از ایشان ببرد و به گوشه انزوا که محیط آدمی است باز گردد (کازانتزاکیس)
- * تنها راه نجات خودت این است که برای نجات دیگران مبارزه کنی (کازانتزاکیس)
- * روح آدمی که در لجن جسم فرورفته هنوز خام و ناتمام است و با کرامات نارسای خود نمی تواند آینده را به نحوی روشن و منجز پیش بینی کند ، چه اگر این جدایی صورت دیگری پیدا می کرد (کازانتزاکیس)
- * برای آنکه آدم بتواند درست و شرافتمندانه فکر بکند باید آرامش داشته باشد (کازانتزاکیس)
- * برای اینکه آزادی به این دنیا بیاید این همه جنایت و تبهکاری لازم است (کازانتزاکیس)
- * ملتی را دیده ای که وقتی آزادی خود را باز می یابد چگونه یکپارچه دیوانه می شود! (کازانتزاکیس)
- * این دنیا معماست و انسان چیزی به جز یک جانور نیست (کازانتزاکیس)
- * خویشتن را از قید هوس آزادی کردن و به بند هوسی شریف تر در آمدن. ولی آیا همین خود شکل دیگری از بردگی نیست؟! خویشتن را به خاطر یک فکر ، به خاطر ملت خود ، به خاطر خدا فدا کردن؟ یا مگر هر چه مقام بالاتر باشد طناب گردن بردگی درازتر خواهد بود؟ (کازانتزاکیس)
- * وه از این دنیای سلیطه که هیچ چنته اش از پیشامدهای عجیب و غافلگیر کننده خالی می شود (کازانتزاکیس)
- * در وجود زن زخمی است که هرگز سرش هم نمی آید (کازانتزاکیس)
- * جوانی ، جانوری است درنده و نا انسان که هیچ چیز نمی فهمد (کازانتزاکیس)
- * شاید عشق بزرگترین شادی موجود در این دنیا باشد (کازانتزاکیس)
- * زن چه موجودی است و چرا ما را و او می دارد که سر به طرف او برگردانیم (کازانتزاکیس)
- * تو از آن عصاره ی قرمز می نوشی و روحت چنان بزرگ می شود که در قالب کهنه ی جسم نمی گنجد و خدا را به مبارزه می طلبی (کازانتزاکیس)
- * بزرگترین پیغمبر نمی تواند به جز یک دستور به آدمیان بدهد و هر چه این دستور مبهم تر باشد آن پیغمبر بزرگ تر خواهد بود (کازانتزاکیس)
- * دست به منزله ساعت نی است که حیات ما از لای آن ، فرو می لغزد و نابود می شود (کازانتزاکیس)
- * برای اینکه احساس کرد که سعادت همین چیزهاست فقط کافی است یک دل ساده و قانع داشت (کازانتزاکیس)
- * زن یک نکته ی ابدی است (کازانتزاکیس)
- * آن ساعت ها که باران ریز می بارد چه اندوه شهوت آلودی در آدمی ایجاد می کند (کازانتزاکیس)
- * هیچ کوی ای بدتر این نیست که آدم عمدا نخواهد بشنود (کازانتزاکیس)
- * روشنایی مایوس نمی شود (کازانتزاکیس)
- * عنصر آدمی سرشار از هوس است و مغشوش و ناپاک و از عشق و گوشت و فریاد ترکیب شده که به صورت فکر مجرد در می آید و در اجاق بلند روح با اسلوب کیمیاگر از حالت مادی خارج می شود و محو می گردد (کازانتزاکیس)
- * بسیاری وطن پرست اند، بی آنکه این صفت خرجی برای آنها داشته باشد (کازانتزاکیس)
- * خود مرگ چیزی نیست، فوتی است و شمعی که خاموش می شود، ولی پیری نکبتی است (کازانتزاکیس)
- * زندگی آدمی جاده ای است پرفراز و نشیب و همه ی آدم های عاقل با ترمز بر آن حرکت می کنند (کازانتزاکیس)
- * آزادی تنها ارزش جاودانه تاریخ است (کازانتزاکیس)



داستایوسکی

- * هر کس بایستی خودش را چنان فدا کند که همه چیز خود را بدهد و به چنان شیوه ای عمل کند که حتی از کمترین فرصت و امکان به وسیله آن بتوان چیزی را از این میان به دست آورده جلوگیری کند (داستایوسکی)
- * جان آدمیان چیزی جز میدان کارزار خدا و شیطان نیست (داستایوسکی)
- * محبت یعنی دوست داشتن مردم بیشتر از استحقاق آنها (داستایوسکی)
- * تقدیر ما چنین است که با عشق و میل برادرانه به اتحاد همه مردم و با نیروی سلاح، اجتماعی جهانی بنا بسازیم (داستایوسکی)
- * ما همه ی آدم هایی هستیم که مرده زاییده شده ایم و در حقیقت طی زمانی دراز از پشت پدرانی بوده ایم که مردان زنده ای نبودند (داستایوسکی)
- * زنان به خوبی می توانند اسرار حفظ کنند، فقط به یکدیگر می گویند تا در حفظ آن شریک باشند (داستایوسکی)
- * انسان موجودی است که به همه چیز عادت می کند (داستایوسکی)
- * عقل افسونگر و سست بنیان است حال آنکه حماقت صریح و شرافتمندانه است (داستایوسکی)
- * بایستی اصول عشق برادرانه وجود داشته باشد، هر کسی بایستی دوست بدارد (داستایوسکی)
- * چطور می شود مسایل مناسبات انسانی را با خون ریزی حل کرد! (داستایوسکی)
- * انسان غیرممکن است دیگری را چون خودش دوست بدارد (داستایوسکی)
- * قانون فردی ما روی زمین بند می کند و منافع من مانع آن است (داستایوسکی)
- * راه حل باید خودش پیدا شود، راه حل بایستی قسمتی از خودتان باشد (داستایوسکی)
- * آیا هرگز زمانی فرا خواهد رسید که نزاع ها پایان یابد و انسانها به گرد یکدیگر فرآیند؟! (داستایوسکی)
- * افتخار با سخت کوشی بدست می آید (داستایوسکی)
- * آنچه را که اکثریت مردم تخیلی و استثنایی می نامند برای من همان جوهر واقعیت است (داستایوسکی)
- * واقعیت به آنچه که ما بدان آشناییم محدود نمی شود ، زیرا آن مشتمل بر سهم بسیار بزرگی از چیزی می گردد در قالب کلام ناگفته ی آینده (داستایوسکی)
- * من معتقدم که عشق به حیات را باید دریابیم و زندگی را دوست بداریم (داستایوسکی)
- * تواضع کن انسان مغرور! حقیقت در اشیاء نیست، در خویشتن توست (داستایوسکی)
- * آدم بدبخت خیالباغ نه تنها برای تحقق جهان بلکه برای کولی ها هم خاصیتی ندارد (داستایوسکی)
- * خورشیدی باش تا همه کس تو را ببینند و نخستین وظیفه خورشید، خورشید بودن است (داستایوسکی)
- * به نظر من می شود همه مسایل را یکباره به طرزی صحیح حس و درک کرد، ولی یکباره آدم شدن غیر ممکن است (داستایوسکی)
- * وجدان عبارت است از آگاهی اندیشه و احساسات انسان (داستایوسکی)
- * قانونی در ما وجود دارد که ما آن را درک نمی کنیم و علیه جنایت در ما فریاد بر می آورد (داستایوسکی)

- * شخصیت یک اصل است، اگر نه تنها قانون، بلکه قانون وجود نژاد بشری است (داستایوسکی)
- * اگر نوع بشر بخواهد قوانین اخلاقی را به عنوان سنخ ویژه ای از قوانین اجتماعی نادیده انگارد خطر وقوع نتایج فاجعه آمیز ان را پیش آورده است (داستایوسکی)
- * انسان بایستی قوانینی که در هر شخصی فریاد بر می آورد درک و ملاحظه کند یا این حقیقت را، که این قوانین، اگر نقص شوند، با انهدام بشر انتقام خودشان را خواهند گرفت. درست همانطور که با منهدم کردن یک فرد انتقام خودشان را از آن خواهند گرفت (داستایوسکی)
- * انسان بایستی همیشه در حالتی از رنج باشد که این رنج با لذت خدایی به انجام رسانیدن سرنوشت خویش از طریق فدا کردن خود متعادل گردد در این امر تعداد زمینی نهفته است، در غیر اینصورت زندگی زمینی ما بی معنی خواهد بود (داستایوسکی)
- * آن غرور و اشتیاق فرو خفته جوانی خطرناک است (داستایوسکی)
- * من تعجب می کنم که مردم از چه چیز اینقدر می ترسند، هر نقطه حرکت تازه و خصوصا یک حرف تازه چیزی است که آنها را بیش از هر چیزی می ترساند (داستایوسکی)
- * مرگ یک نفر در عوض زندگی صدها نفر. چرا! این حساب ساده ای است! (داستایوسکی)
- * شکست چیزی می سازد که به نظر حماقت می آید (داستایوسکی)
- * زندگی گرانبهارترین موهبت هاست، زندگی سعادت است و هر دقیقه آن می تواند یک قرن سعادت باشد (داستایوسکی)
- * آیا ممکن است برای من چیزی خارق العاده تر از حقیقت باشد (داستایوسکی)
- * هر کسی خود را مبارزه راه حقیقت و شهید راه آن می داند (داستایوسکی)
- * جهان به وسیله اعتقاد هر کسی نسبت به حقانیت خود و به نام این حقانیت هلاک می گردد (داستایوسکی)
- * چیزهای جزئی با اهمیت هستند (داستایوسکی)
- * آیا دانه ای که میوه ی آن مرگ است، دانه ای سالم است؟! (داستایوسکی)
- * یک دقیقه سعادت، حتی برای یک عمر چرا کافی نیست؟ (داستایوسکی)
- * تولد ها همه یک جور هستند، این زندگی ها و مرگ ها هستند که متفاوتند (داستایوسکی)



نیچه

- * آنکه می خواهد روزی پریدن آموزد، نخست می باید ایستادن، راه رفتن، دویدن و بالا رفتن آموزد. پرواز را با پرواز آغاز نمی کنند (نیچه)
- * در پی تحقق ارزشمندترین و بدترین اهداف خود باشید، چرا که هر چه اکنون می کنید بازگشت دوباره در سراسر ابدیت خواهد داشت (نیچه)
- * جهان حقیقی جز آنچه که هست نیست و دنیای حقیقی دروغی بیش نیست (نیچه)
- * وقتی به کاری مصمم شدی دیگر درهای تردید و شکست را از هر سو ببند (نیچه)
- * اگر نمی توانی پرواز کنی، بر بلندبها آشیانه مساز (نیچه)
- * اگر نمی توانی در زمین، با غرور زندگی کنی، با غرور بمیر (نیچه)
- * اگر طالب آرامش روح و خوشحالی هستی اعتقاد داشته باش، اما اگر طالب حقیقتی، واری کن (نیچه)
- * آدمی باید با جسم و جاننش خواستار تجربه مسائل بزرگ باشد (نیچه)
- * انسان هر چه را می باید، می تواند و هر گاه کسی می گوید که نمی تواند این خود دلیل است بر این که او از روی جدیت اراده نمی کند (نیچه)
- * هیچ هنرمندی نمی تواند حقیقت را تحمل کند (نیچه)
- * زیربار منت های بزرگ بودن، فرد را کینه توز می کند نه سپاسگزار (نیچه)
- * آنچه زخمان است مرهمان باید (نیچه)
- * آدم های حقیر انسان های والا را دیوانه می پندارند، چرا که این انسانها سرشت نامعقول تری داشته و به سمت چیزهای استثنایی جذب می شوند. چیزهایی که هیچ جذابیتی برای بسیاری از مردم ندارند (نیچه)
- * آن که با اهریمنان به نبرد می خیزد باید بر حذر باشد که در این فرایند خود به اهریمنی تبدیل نشود در هنگامه ای که تو به خاک می نگری، خاک نیز به تو می نگرد (نیچه)
- * برای اینکه بت پرست نباشی، باید خوی بت پرستی را ترک گفته باشی (نیچه)
- * چون راه رفتن را آموختم به دویدن پرداختم. (نیچه)
- * خودستایی مایل است که به وسیله شما اعتقاد به خود را بیاموزد. او از نگاه های شما تغذیه می کند و از دست های شما تعریف و تمجید نسبت به خود را می بلعد (نیچه)
- * سیاستمداران انسان ها را به دو طبقه تقسیم می کنند. ابزارها و دشمنان (نیچه)

* آن زمان خوش ترین مزه ها را داری مگذار تمام تو را بخورند. آنان که می خواهند دیر زمان در دل ها جای داشته باشند این را می دانند (نیچه)

* در جهان بهترین چیزها را ارجی نیست تا آنانکه نخست کسی آنها را به نمایش گذارد. مردم این نمایشگران را مردان بزرگ می خوانند (نیچه)

* آنچه هستی باش (نیچه)

* اراده موجب آزادی است، زیرا خواستن آفریدن است. این تعلیم من و تنها کار شما آموختن فن آفریدن خواهد بود (نیچه)

* انسان باید حافظه ی بسیار قوی ای داشته باشد تا قول هایی را که به دیگران می دهد، فراموش نکند (نیچه)

* بی حق دانستن خویش، بزرگواران تر است از بر حق دانستن، بویژه آنگاه که حق با تو باشد (نیچه)

* نوشته ای را دوست دارم که نویسنده با خون خود نوشته باشد. درک خون آسان نیست. (نیچه)

* اگر خدایانی وجود می داشتند چگونه می توانستم ببذیرم که خود یکی از آنها نباشم؟ پس خدایانی وجود ندارند (نیچه)

* شاید من بهتر از هر کس بدانم که چرا تنها انسان می خندد. تنها اوست که چنان عمیقاً رنج می برد که ناچار از اختراع خنده بوده است. بدبخت ترین و غمگین ترین جانور حتی شادترین جانور است (نیچه)

* انسان بر گذشتن از حد انسان است (نیچه)

* زندگی با مردم دشوار است ، چون سکوت دشوار است (نیچه)

* بزرگ بودن یعنی جهت فکری دادن (نیچه)

* درد پیوسته درصدد یافتن علل و اسباب است و حال آنکه خوشی بی آنکه واپس بنگرد ، می کوشد تا همان جایی که هست بماند (نیچه)

* هرچیز بزرگ باشد، چه نوشته ها و چه کرده ها، چون به پایان برسد بی درنگ به مقابله با صاحب خود بر می خیزد (نیچه)

* رویدادهای بزرگ با گام های نرم فرا می رسند (نیچه)

* از زندگی بزرگترین لذت را بردن ، خطرناک زندگی کردن است (نیچه)

* برای اینکه خواندن را به مرتبه ی هنر برسانیم باید نخست استعدادی را که امروزه پیش از همه ی استعدادهای دیگر فراموش کرده ایم دوباره بدست آوریم و از همین رو هنوز سالها باید بگذرد تا نوشته های من خواندنی شوند. استعدادی که مستلزم داشتن طبیعت گاو است و به هر حال مطلقاً در انسان امروزی نیست. غرضم استعداد نشخوار کردن است (نیچه)

* برای اولین بار احساس کردم که قوی ترین و ولاترین خواست در زندگی تلاش برای بودن نیست، بلکه همانا خواست قدرت، یعنی میل به جنگ و تسلط است (نیچه)

* هر آرمانی وجوه عشق و نفرت و عزت و ذلت را همزمان داراست. انگیزه های اساسی می توانند از وجه خیر یا شر نشات بگیرند (نیچه)

* انسان خیال آفرین (تخیلی) واقعیت را برای خود انکار می کند ، در حالیکه دروغگو واقعیت را نزد دیگران انکار می کند (نیچه)

* مادر زیاده روی سرور و شادمانی نیست ، بلکه نبود آن است (نیچه)

* همه ی شاعران و نویسندگان گرفتار این وسوسه والا هستند که از مرزهای توانایی عبور کنند (نیچه)

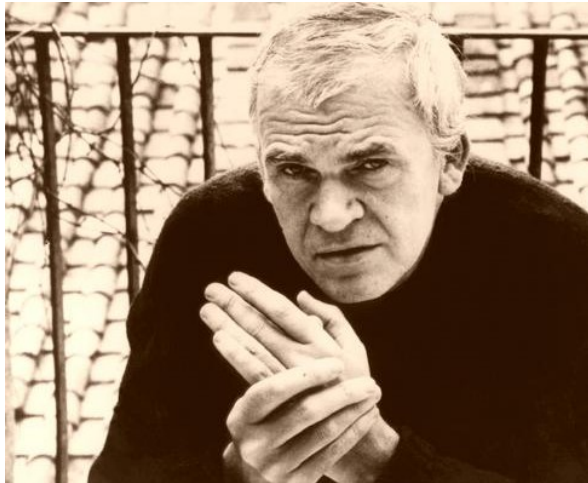
* شوخی لطیفه ای است که از احساس مرده نشات می گیرد (نیچه)

* حس لذت جایی ظاهر می شود که حس قدرت وجود داشته باشد. سعادت و خوشبختی در آگاهی پیروزمندانه از قدرت و پیروزی است. ترقی در تقویت نوع است، در آمادگی استفاده ی نیرومند از خواست. هر چیز دیگری، بدفهمی خطرناکی است (نیچه)

* فیلسوف می خواهد وجدان ناآرام زمانه اش باشد، برای این منظور می بایست بیشترین و درست ترین دانایی نسبت به آن داشته باشد (نیچه)

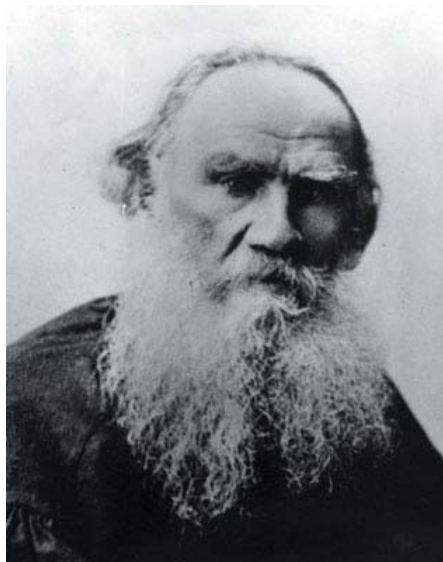
* سرانجام هیچکس نمی تواند از اشیاء و اموری که در کتابها گنجانده و منظور شده اند، چیزی بیش از آنچه خود می داند، بشنود (نیچه)

- * آرامترین سخنان اند که توفان بیا می کنند. اندیشه هایی که با خرام کبوتران می آیند، جهان را راه می برند (نیچه)
- * تو باید سرور خویش شوی و همچنین سرور فضایل خود. بیشتر از این، آنها سرورانت بودند، اما اکنون فقط می توانند بازیچه ای باشند در کنار بازیچه های دیگر (نیچه)
- * چه پاداش بدی ست برای آموزگار، اگر همواره فقط شاگردش بمانیم (نیچه)
- * از خویشتن هیچ نگفتن ریاس ست بس بزرگ (نیچه)
- * نمی خواهیم کسی در چیزی ادای مرا در آورد و پس از من پیروی ام کند، می خواهیم هر کسی پی خود برود و خود را بفرید (نیچه)
- * یک انسان زمانی از شور و حرارتش پیروی می کند معمولا بسیار با شخصیت تر جلوه می کند تا زمانی که از اصول پر نسیب های اش (نیچه)
- * برای برپا داشتن محرابی نو، محراب کهنه باید نابود گردد، این قانون است (نیچه)
- * یا آدمی عقایدش را پنهان می کند، یا خود را پشت سر آن ها، کسی که جز این می کند مدار چرخ خود را نمی داند یا جزء فرقه بی پروایی (مجنونان) مقدس است (نیچه)
- * می خواهید به سیستمی وارد شوید که یا باید چرخ آن باشید، به تمام و کمال، یا زیر چرخهایش بروید؟ (نیچه)
- * قطعه ی هنرمندانه ی حکمت زندگی همانا دانستن این است که خواب را به هر شیوه ی ممکن به وقت مساعدش موکول کنیم (نیچه)
- * خواهیم دمید بر خود تا نسوزم؟ (نیچه)
- * آن که بسیار می اندیشد، برای حزبی شدن مناسب نیست زیرا چنین کسی زود از اندیشه حزب فراتر می رود (نیچه)
- * در اخلاق، انسان نه در مقام فرد بلکه در مقام مقسم (حسابگر/ غیر فرد) کنش می ورزد (نیچه)
- * ماده سگ نفسانیت چه نیک می داند گدایی کردن پاره ای از جان را اگر تکه ای گوشت از وی دریغ بداریم (نیچه)
- * معمولا هر مادر در پسرش بیش تر از خود پسر، خود را دوست می دارد (نیچه)
- * بیم آن دارم که حیوانات، ما آدمیان را به عنوان موجوداتی همسان خود بنگرند که به شیوه ای سخت خطرناک عقل سلیم حیوانی اشان را پاک از دست داده اند (نیچه)
- * شاعر اندیشه هایش را شکوهمندانه بر گردونه ی ضرباهنگ (ریتم) به دور دست می برد، معمولا از آن رو که این اندیشه ها، نمی توانند پیاده بروند (نیچه)
- * مادر بی بندوباری شادمانی نیست، بلکه ناشاد بودن است (نیچه)
- * اگر فضیلت خفته باشد، سرحال تر و قیبراق تر بیدار خواهد شد (نیچه)
- * بهترین دوست احتمالا بهترین همسر را می یابد، زیرا زناشویی موفق بر استعداد دو طرف استوار است (نیچه)
- * هنوز که هنوز است علیه عشق در بیشتر موارد همان داوری تند و اساسی قدیمی کارساز است، بی اعتنایی (یاد عشق) (نیچه)
- * ساعتی چند کوهنوردی از یک رذل و یک قدیس دو مخلوق تقریبا یکسان می سازد. خستگی، کوتاهترین راه معطوف به برابری و برادری ست (نیچه)
- * قاعدتا نباید بگذارید کسی در حالت عاشقی تصمیمی مهم در مورد زندگی اش بگیرد (نیچه)
- * به من بگو قبل از تولد کجا بوده ای تا به تو بگویم پس از مرگ کجا خواهی رفت. (نیچه)



میلان کوندرا

- * ما اغلب برای از یاد بردن درد و رنج خویش به آینده پناه می بریم (میلان کوندرا)
- * اگر اندیشه ای که بر اساس آن به وجود آمده از میان برود، خود عشق نیز از میان خواهد رفت (میلان کوندرا)
- * آنچه به رفتار و کردار ما معنا می بخشد، همیشه برای ما نشاناخته است (میلان کوندرا)
- * در واقع همیشه ساده ترین پرسش ها با اهمیت ترین پرسش هاست و پاسخی برای آن ها وجود ندارد و پرسشی که نتوان به آن پاسخ داد، مانعی است که فراتر از آن نمی توان رفت (میلان کوندرا)
- * انسان همیشه ندانسته، حتی در لحظه های عمیق ترین پریشانی ها، زندگی اش را طبق قوانین زیبایی می سازد (میلان کوندرا)
- * در جامعه ای که هراس و وحشت بر آن حکمفرماست نباید برای اعترافات که ناشی از زور و خشونت است اهمیت قایل شد (میلان کوندرا)
- * بعضی از افکار مانند بمب صدا می کند (میلان کوندرا)
- * اندیشه ها نیز زندگی مردم را نجات می بخشند (میلان کوندرا)
- * مجازات کردن کسی که نمی داند چه می کند، نشانه ی توحش است (میلان کوندرا)
- * رمان اعترافات نویسنده نیست، بلکه کاویدن زندگی بشری در دامی است که جهان نام دارد (میلان کوندرا)
- * کسی که مایل است شهر و دیار خود را ترک گوید انسان خوشبختی نیست (میلان کوندرا)
- * خیانت از صف خارج شدن و به سوی نامعلوم رفتن است (میلان کوندرا)
- * غایت ها مرز را نمودار می کند و در آن سوی مرز زندگی به انتها می رسد (میلان کوندرا)
- * هر چه انسان بیشتر در تاریکی درون خویش به سر برد بیشتر در ظاهر جسمانی اش پژمرده می شود (میلان کوندرا)
- * مرده ها مانند کودکان بی گناهند (میلان کوندرا)
- * چیزهایی وجود دارد که از راه خشونت انجام می گیرد (میلان کوندرا)
- * عشق جسمانی بدون خشونت تصور ناپذیر است (میلان کوندرا)
- * دوست داشتن چشم پوشی از قدرت است (میلان کوندرا)
- * دروغ نگفتن، پنهان کاری نکردن و هیچ چیزی را مخفی نکردن، در حقیقت زیست است (میلان کوندرا)
- * ما همان آدمیزادی که در زندگی خصوصی هستیم در زندگی عمومی نیستیم (میلان کوندرا)
- * در حقیقت (زیستن)) از میان برداشتن مرز میان زندگی خصوصی و عمومی است (میلان کوندرا)
- * عشق یک پیکار است (میلان کوندرا)
- * مردم هیچ فرصتی را برای بی اعتبار کردن دوستانشان از دست نمی دهند (میلان کوندرا)
- * چیزی را که نتیجه ی یک انتخاب نیست نمی توان شایستگی یا ناکامی نامید (میلان کوندرا)



تولستوی

- * برای نامید، زمین به اندازه خود او تنگ است (تولستوی)
- * مردم از فکر کردن بیش از هر چیز دیگران رنج می برند (تولستوی)
- * همیشه تراژدی هایی در کاخ ها در جریان است همچنانکه در آثار شکسپیر هم می بینیم (تولستوی)
- * در شکم حشره خوار است که تخم های زندگی آینده ریخته می شود (تولستوی)
- * در زندگانی هر کس طریق راستی و درستی را بیمایید، زودتر به مقصود می رسد (تولستوی)
- * بدترین و خطرناکترین جمله این است، همه همین طور هستند (تولستوی)
- * انسانی که معنی و هدف زندگی را بداند خود را نه تنها با افراد ملت خویش برابر خواهد دانست بلکه با تمام اینای اقوام دیگر نیز مساوی خواهد شمرد (تولستوی)
- * ما باید از آن چیزهایی سخن به میان آوریم که همه می دانند، اما کسی جرات گفتن آن را ندارد (تولستوی)
- * انسانیت به ظاهر نیست، به باطن است (تولستوی)
- * این اشتباه دایمی آدمیان است که می پندارند خوشبختی در برآورده شدن آرزوهاست (تولستوی)
- * در زندگی هر کس طریق راستی و درستی را بیمایید زودتر به هدف می رسد (تولستوی)
- * نیکی همه چیز را مغلوب می کند و خود مغلوب نمی شود (تولستوی)
- * خانواده های خوشبخت به همه شبیه هستند، اما خانواده های بدبخت هر یک بدبختی ویژه ای دارند (تولستوی)
- * بشریت به ظاهر نیست به، باطن است (تولستوی)



آنتوان چخوف

- * هوس بزرگترین دشمن یک انسان زندانی است (چخوف)
- * هیچ حکومتی حق ندارد کسی را از چیزی محروم کند. (آنتوان چخوف)
- * زیستن به هرگونه به از زیستن به هیچ گونه است (آنتوان چخوف)
- * انسان همان است که خود باور می کند (آنتوان چخوف)
- * کلمات همیشه این قدرت را ندارند که آدم های خیلی خوشحال یا خیلی غمگین را ارضاء کنند زیرا آخرین بیان خوشحالی زیاد و غم زیاد ، سکوت است (آنتوان چخوف)
- * دانشگاه تمام استعداد های افراد، از جمله بی استعدادی آنها را آشکار می کند (آنتوان چخوف)
- * نفهمیدن چیزی، دلیل انکار آن نیست (آنتوان چخوف)
- * ایمان قوت روح است (آنتوان چخوف)



ناپلئون بناپارت

- * دین بهترین وسیله برای ساکت نگه داشتن عوام است. (ناپلئون بناپارت)
- * مذهب وسیله ای برای فریب عوام است. (ناپلئون بناپارت)
- * شجاعت مانند عشق از امید تغذیه می کند. (ناپلئون بناپارت)
- * ادب و حکمت را شعار خود ساز تا بهترین اهل زمان شوی و به نیکان ملحق گردی (ناپلئون)
- * هیچکس آنقدر ابله نیست که برای هیچ نوع کاری لیاقت نداشته باشد (ناپلئون)
- * تحمل حق ناشناسی برای انسان سخت تر از تحمل ناملایمات روزگار است (ناپلئون)
- * نومیادی اولین قدمی است که انسان بسوی قبر بر می دارد (ناپلئون)
- * پیروزی از آن کسانی است که بیشتر از دیگران استقامت دارند (ناپلئون)
- * تربیت فرزند را باید بیست سال قبل از تولدش آغاز کرد (ناپلئون)
- * مادر با دستی گهواره و با دستی عالم را تکان می دهد (ناپلئون)
- * شجاعت، مانند عشق ، از امید تغذیه می شود (ناپلئون)
- * بدترین الفاظ این ها هستند، نمی توانم، نمی دانم و نمی شود (ناپلئون)
- * غیر ممکن کلمه ای است که فقط در فرهنگ لغات انسان های احمق یافت می شود (ناپلئون)
- * اگر زندگی با تو سر ناسازگاری دارد، تو با او سازش کن (ناپلئون)
- * بی صبری در راه موفقیت مانع بزرگی است (ناپلئون)
- * کسی که تملق گفتن بلد است، تهمت زدن هم برای او بسیار آسان است (ناپلئون)
- * با صلح گفتن، دنیا امن نمی شود (ناپلئون)
- * شکم های گرسنه ، نه ترس را می شناسند و نه فرمانبرداری را (ناپلئون)
- * من همه چیز را به گرسنگی و مشقت های ایام جوانی مدیونم (ناپلئون)
- * کم دانستن و پرگفتن، مثل پول نداشتن و زیاد خرج کردن است (ناپلئون)
- * هر گاه بتوانم بعد از شکست لبخند بزنم ، شجاع خواهم بود (ناپلئون)
- * بی صبری در راه موفقیت، مانع بزرگی است (ناپلئون)
- هر بار که تردید کردی مطمئن باش که شکست می خوری (ناپلئون)
- * آنکس که خود نمی تواند فرمان دهد، بایستی فرمان برد (ناپلئون)
- * اگر به کسی اعتماد نداری از او پرهیز کن (ناپلئون)
- * آنقدر شکست خواهم خورد تا راه شکست دادن را بیاموزم (ناپلئون)
- * مردان مرده هرگز موفق نمی شوند (ناپلئون)



فیدل کاسترو

* یک مبارز شاید جان خود را از دست دهد، اما عقایدش هرگز از بین نمی رود (فیدل کاسترو)

* وقتی موقع فداکاری می رسد، اولین چیزی که باید فدا بشود چیزهای تجملی است (فیدل کاسترو)

* دروغ سلاحی است که به درد هیچ انقلابی نمی خورد، هیچ انقلابی جدی هرگز نیاز ندارد که به دروغ متوسل بشود، سلاح انقلابیون منطق، اخلاق، حقیقت، توانایی دفاع از یک عقیده، یک پیشنهاد و یک موضوع است (فیدل کاسترو)

* انقلابیون که تحت شرایط عادی زندگی نمی کردند بایست از قوانین مبارزه تعبث کنند (فیدل کاسترو)

* اینکه انسان در یک انقلاب، اگر واقعی باشد، یا پیروز می شود و یا می میرد، خیلی از رفقا در مسیر کسب پیروزی به خاک افتادند (فیدل کاسترو)

* افرادی که همه چیزشان را در راه آرمان محرومان فدا می کنند، در برابر تاریخ، با گذشت هر روز، مقامشان بلند مرتبه تر می شود و با گذشت هر روز در قلب توده ها جایگاه عمیق تری می یابند (فیدل کاسترو)

* هر قطره خونی که در سرزمینی غیر از وطن خود انسان ریخته شود، تجربه ای است که بازماندگان می توانند بعدا در مبارزه برای رهایی کشور خودشان به کار گیرند و هر خلقی که آزاد می شود گامی است در نبرد برای رهایی مردم خویش (فیدل کاسترو)

* تحولی که باعث شود تا خلق های ما به پیش بروند و بر قرن ها عقب افتادگی اقتصادی، علمی و تکنولوژی فایق شوند (فیدل کاسترو)

* بزرگترین گواه این حقیقت است که اراده، قهرمانی و عظمت انسان چه چیزها که نمی تواند خلق کند (فیدل کاسترو)

* انسان همیشه با نمودار جلو نمی رود. انسان مطابق هوی هوس یا تمایلات خودش تاریخ را نمی سازد. انسان به ساختن تاریخ کمک می کند، و تاریخ هم به ساختن انسان ها کمک می کند (فیدل کاسترو)

* رویداد شرکت زنان در انقلاب، انقلابی درون انقلاب است (فیدل کاسترو)

* یکی از جالبترین دروسی که انقلابیون آموختند، همانی است که به زنان ما ارزانی داشتند (فیدل کاسترو)

* من معتقدم که نیروی پرتوان و فوق العاده بی نهایتی از منابع انسانی برای انقلاب در زنان ما نهفته است (فیدل کاسترو)

* همانگونه که وقایع نشان می دهد نقشی که زنان در یک روند انقلابی که در آن اجتماع خود را آزاد می کند و به علاوه خود را از زیر یوغ استعمار و از تعصبات، زنجیره ی کاملی از شرایطی که زنان بطور مضاعف استثمار و بطور مضاعف تحقیر شده اند می توانند بازی کنند (فیدل کاسترو)

* برآستی امری منطقی و عالی است که زنی داشته باشیم تا مجری برنامه ای باشد که هزاران زن را در بر می گیرد (فیدل کاسترو)

* زنان همچنان باید به مبارزه ادامه دهند و کوشش زیادی از خود به خرج دهند تا به منزلتی که حقیقتا باید در اجتماع به آن نایل شوند دست یابند (فیدل کاسترو)

* اگر در گذشته زنان در کشور ما بطور مضاعف استثمار و تحقیر شده اند پس بدان معناست که آنان در یک انقلاب اجتماعی نیز باید بطور مضاعف انقلابی باشند (فیدل کاسترو)

* حمایت توده های مردمی از انقلاب مستقیما متناسب است با مفهومی که انقلاب در ارتباط با آزادی دارد (فیدل کاسترو)

* تبعیض جنسیت و نژاد تنها می تواند از طریق انقلاب سوسیالیستی که استثمار توسط انسان را ریشه کن کند، از بین برود (فیدل کاسترو)

* شرایط برای آزادی زن، برای شکوفایی و ترقی کامل زن در جامعه، برای حقوق مساوی بر حق و یا برای تساوی موثق زنان به مردان در اجتماع، به زیربنای اقتصادی مادی و توسعه اجتماعی نیازمند است (فیدل کاسترو)

* هیچ چیز مگر استثمار و بی عدالتی انسان ها را از هم جدا نمی کند و هیچ چیز بیشتر از علایق مشترک. میل به عدالت، انسان ها را متحد نمی کند (فیدل کاسترو)

* مردان روی سعادت به خود نخواهند دید مگر اینکه زنان سعادت مند شوند (فیدل کاسترو)

* چیزی که باید ما انقلابیون را متوجه خود سازد این است که کار انقلاب هنوز به پایان نرسیده است (فیدل کاسترو)

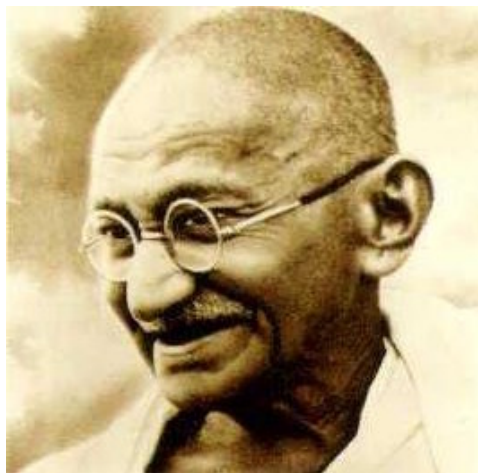
* مبارزه علیه تبعیض زنان، مبارزه جهت تساوی حقوقی و جذاب آنان باید کاملا توسط جامعه به نظر در آید (فیدل کاسترو)

- * مبارزه علیه عوامل ذهنی به مراتب دشوارتر از عناصر عینی است (فیدل کاسترو)
- * یکی از چیزهایی که انقلاب را در آینده به قضاوت می گذارد، چگونگی حل مشکلات زنان در سرزمینمان است (فیدل کاسترو)
- * نباید به زنان که همگی مستحق احترام هستند، بی احترامی شود (فیدل کاسترو)
- * زنان باید رفیق مردان باشند و مردان رفیق زنان (فیدل کاسترو)
- * هیچ رهبری نمی تواند مقام، منصب و قدرت را متعلق به خودش بداند (فیدل کاسترو)
- * زمانی مبارزات مردم ناتوان و خموش است که قلب زنان نادیده انگاشته شود، اما زمانی که زنان به حرکت در آیند و یاری رسانند، زمانی که زنان برانگیزند، تحسین و تشویق کنند، زمانی که زنان تحصیلکرده و پرهیز از کار، کار را به شیرینی محبت خویش آغشته کنند، کار شکست ناپذیر است (فیدل کاسترو)
- * طبیعت پرورش دهنده زنان استثنایی است (فیدل کاسترو)
- * زنان با مردان برابر خواهند خواهند زیست، بعنوان یک رفیق نه بعنوان عروسکی زیبا در پیش پای مردان (فیدل کاسترو)
- * زنان ذاتا جستجوگر حقیقت هستند و حتی از آن نیز فراتر می روند (فیدل کاسترو)
- * بدون انقلاب هیچ چیز حل و فصل نمی شود (فیدل کاسترو)

آلن پیتون

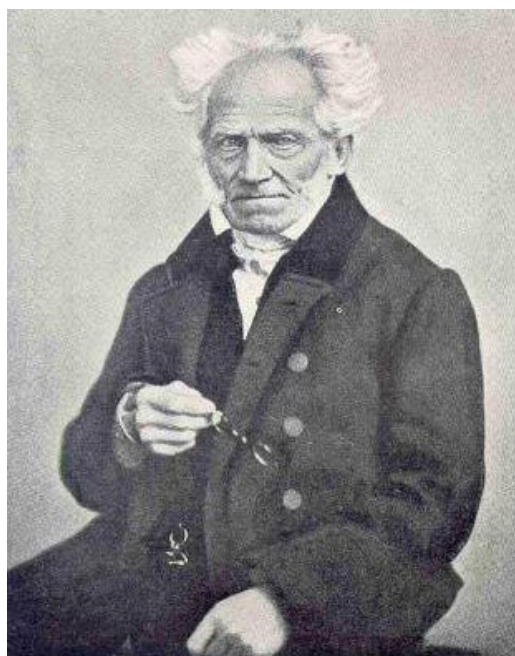
- * تاریخ به ما می آموزد که مردان کارگر را نمی توان برای همیشه در فلاکت نگه داشت. اگر آنها متحد شوند چه کسی می تواند در برابرشان ایستادگی کند (آلن پیتون)
- * انسانی که صادقانه به خاطر عدالت می جنگد وظیفه مند است که لاقبل خویشتن را طاهر و عادل نگه دارد و آمده تا بگوید عشق نیرویی عظیم تر از قدرت دارد (آلن پیتون)
- * نیت به قتل، عنصر اساسی هر قتل است (آلن پیتون)
- * اگر قانون متعلق به جامعه ای که بعضی ها غیر عادلانه اش می دانند این قانون جامعه است که باید دگرگون شود نه قاضی (آلن پیتون)
- * خاک پرستار انسان هاست و فنای آن فنای انسان خواهد بود (آلن پیتون)
- * زمانیکه ترس بر قلب حکومت می کند، کیست که بتواند از سرزمین محبوب خود لذتی ببرد! (آلن پیتون)
- * فاجعه در آن نیست که همه چیز گرفتار انهدام شده است. فاجعه در این است که این از هم پاشیده و شکسته ها از نو ترمیم نمی شوند (آلن پیتون)
- * خانه دوباره بنا می شود و روح نیز (آلن پیتون)
- * تنها یک چیز وجود دارد که مملو از قدرت است و آن عشق است، چرا که انسان عاشق در جستجوی قدرت نیست، پس آن را دارد (آلن پیتون)
- * انسان قادر است آغاز و میان و پایان یک سخن در حد کمال را احساس کند (آلن پیتون)
- * چقدر خوب بود اگر به آدم گفته می شد این قدم برداشته شده است و آن قدم در شرف برداشته شدن است (آلن پیتون)
- * اندوه بهتر از ترس است، زیرا ترس همیشه انسان را حقیر می کند، حال آنکه اندوه بارور می سازد (آلن پیتون)
- * تا قویت زندگی وجود دارد امید اصلاح زندگی نیز هست (آلن پیتون)
- * مگر ما برای چه چیزی بجز خدمت، زندگی می کنیم؟ (آلن پیتون)
- * این درد است که آدمی را به جانب اندیشه های بی ثمر می راند (آلن پیتون)

- * برای ساختن دنیا به همه جور آدم احتیاج هست (آلن پیتون)
- * معادن بخاطر انسان است ، نه انسان بخاطر معادن (آلن پیتون)
- * قاضی باید نترس باشد تا عدالت را مطابق با قانون اجرا کند (آلن پیتون)
- * من کسانی را خوبتر درک می کنم که بخاطر اعتقاداتشان مرده اند و هرگز به این مساله نیندیشیده اند که مردن در چنین شرایطی حیرت انگیز است یا شجاعانه است یا نجیبانه (آلن پیتون)
- * انسان تنها از مرگ درون خود آگاه است (آلن پیتون)



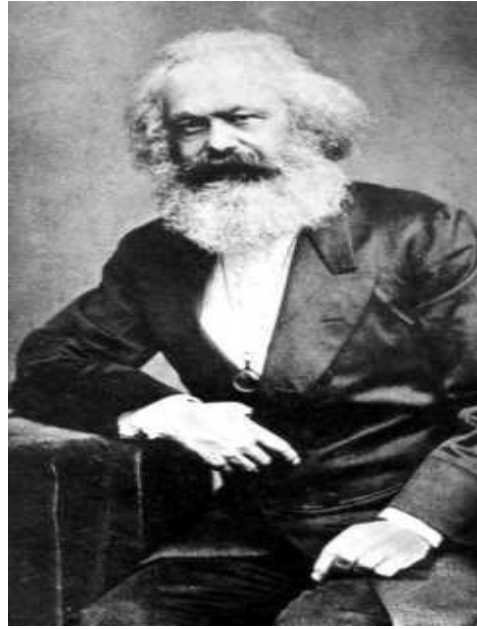
مهاتما گاندی

- * خود را فدا کنیم بهتر است تا دیگران را نابود سازیم (گاندی)
- * در لذت آمیخته با قباحتی خوشحال نباشید و تفکر کنید که لذت می رود و قباحت می ماند (سقراط)
- * از گناه تفر داشته باش نه از گناهکار (گاندی)
- * تنها فضیلتی که من خواهان آنم ، حقیقت و عدم توسل به زور است (گاندی)
- * تنها یک راه به آزادی منتهی می شود و آن راه عدم مقاومت در برابر بدی است (گاندی)
- * رنجی که واقعا شجاعانه تحمل شود، حتی سنگ را نرم می سازد (گاندی)
- * اولین تکلیف آدمی ، حمایت از ضعفا و جریحه دار نکردن یک وجدان بشری است (گاندی)
- * خودتان باید آن دگرگونی ای باشید که می خواهید در جهان ببینید (گاندی)
- * اگر نتوانیم آزاد زندگی کنیم ، بهتر است مرگ را با آغوش باز استقبال کنیم (گاندی)
- * با مشت های گره شده نمی توان به کسی دست داد (گاندی)
- * اگر پیری نبود، نه کودکی مفهومی داشت و نه جوانی ارزشی (گاندی)
- * تا زمانی که لبخند چهره را نپوشاند کاملا لباس نپوشیده ایم (گاندی)
- * هیچ جنایتی نیست که انگیزه مادی نداشته باشد (گاندی)
- * سکوت اوج تکلم است (گاندی)
- * در راه انجام وظیفه پایدار باش (گاندی)



شو پنهاور

- * در ایجاد شادکامی هیچ چیز به اندازه سلامتی و نشاط پر اهمیت و به اندازه ثروت اهمیت نیست (شو پنهاور)
- * آنچه شخصیت یا وجود واقعی فرد را می سازد، همان فردیت و هویت اوست (شوپنهاور)
- * نواخ افرادی هستند که از احساسات و حساسیت های زیاد و خارق العاده برخوردارند. (شوپنهاور)
- * تسلیم و رضا در برابر حوادث علاج ناپذیر، مهمترین توشه سفر زندگی است (شوپنهاور)
- * سرچشمه اصلی بدترین بدی هایی که انسان از آن رنج می برد همانا انسان است (شو پنهاور)
- * عشق ، آتشی است که با چند قطره آب خاموش می شود (شوپنهاور)
- * انسان موفق، کسی است که زندگانی خود را به دست خود بسازد (شوپنهاور)
- * لذت، صرفا منفی است و چیزی جز توقف موقت درد نیست (شوپنهاور)
- * تسلیم و رضا در برابر حوادث علاج ناپذیر، مهمترین توشه سفر زندگی خواهد بود (شوپنهاور)
- * نگهداری دم ماهی و زن از مشکلات است (شوپنهاور)
- * افراد کم تحمل و به ظاهر خوشبخت و برخوردار، در جامه های فاخر به زودی احساس پوچی و ناشکیبایی می کنند (شوپنهاور)
- * ترسو و بزدل هر روز چندین بار می میرند و باز زنده می شوند (شوپنهاور)
- * انسان در تنهایی و سکوت است که به خود بسندگی نایل می شود ، زیرا در این تنها شخص به خود و داشته هایش اتکا می کند و کمتر به دیگران چشم می دوزد (شو پنهاور)



کارل مارکس

* آزادی تا آن اندازه جوهر انسان است که حتی دشمنانش برای مبارزه با موجودیت آن می خواهند خود داشته باشند (کارل مارکس)

* دشمنان آزادی را بعنوان زیبایی طبیعت انسان از او می گیرند، چون می خواهند خود داشته باشند (کارل مارکس)

* زمانی که قانون، قانون واقعی است، شکلی از وجود آزادی همانا وجود واقعی آزادی برای انسان است (کارل مارکس)

* بدون احزاب هیچ تکاملی نیست، بدون اختلاف هیچ پیشرفتی نیست (کارل مارکس)

* تجربه نشان می دهد که سعادتمندترین انسان ها، آن هایی هستند که بیشترین انسان ها را سعادتمند کرده اند (کارل مارکس)

* هر آنچه در حال تکامل است ناقص است، تکامل تنها با مرگ پایان می گیرد (کارل مارکس)

* اگر حرفه ای را برگزینیم که بیشترین خدمت را به بشریت می کند، هیچ بارگرانی نمی تواند پشت ما را خم کند، چرا که

این فداکاری در راه همگان است، در آن صورت لذت های ما حقیر، محدود و خودخواهانه نخواهد بود، بلکه لذتی است که از

آن میلیون ها نفر انسان است (کارل مارکس)

* دین افیون توده هاست (کارل مارکس)



ویلهم رایش

- * نداشتن دلیل فرو رفتن در گل است (ویلهلم رایش)
- * پله های امروز زندگی فردايند (ویلهلم رایش)
- * هيچ جامعه ی فرهنگي نمی تواند بدست بردگان بنا شود (ویلهلم رایش)
- * هنر و علم حقيقي نمی توانند در زنجير بردگی کنند (ویلهلم رایش)
- * انسان بزرگ می داند که کی و به چه طريقي به انسان کوچک تبديل شود. انسان کوچک نمی داند که کوچک و حقير است و از دانستن اين نکته می هراسد (ویلهلم رایش)
- * بايد برای پاکی و حقيقت جنگيد (ویلهلم رایش)
- * حقيقت می تواند نجات دهنده زندگی باشد، اما در عين حال می تواند توده ی مردم را نیز به دام بيفکند (ویلهلم رایش)
- * تمدن نمی تواند به دست انسان هایی که به گرسنگی دچار است ساخته شود (ویلهلم رایش)
- * ساختن تمدن نیازمند توسعه همه حوزه های حیات است (ویلهلم رایش)
- * برای بدست آوردن شادمانی بايد زحمت کشيد (ویلهلم رایش)
- * زمانی انسانی بزرگ، انسانی کوچک بود، اما شايستگی ارزشمندی را در خود پرورش داد و کوچکی و تنگ نظری اندیشه ها و اعمالش را شناخت (ویلهلم رایش)



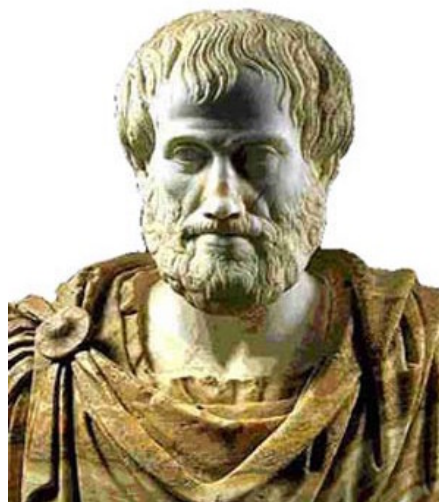
سقراط

- * خشم و غضب را به درگاه مردان با اراده راهی نیست (سقراط)
- * از مرگ نهراسید زیرا تلخی آن از ترس است (سقراط)
- * انتقام دلیل پستی روح و سبکی عقل است (سقراط)
- * مرگبارترین نفرت ها از عمیق ترین آرزوها سرچشمه می گیرد (سقراط)
- * بدترین دوست، نادانی و بهترین رفیق ، دانش است (سقراط)
- * من، زندان روح است و زندانی پیوسته مترصد آزادی است (سقراط)
- * آن انسانی عاقل است که می داند عقل اش از همه کمتر است (سقراط)
- * مرد کامل آن است که دشمنان از او در امان زیست کنند ن هآن که دوستان از او در هراس باشند (سقراط)
- * هر جا که احترام باشد ترس هم هست، اما هر کجا که ترس باشد الزاما احترام نیست زیرا به جرات می توان گفت ترس وسعتی بیش از احترام دارد (سقراط)
- * شیرینی یک پیروزی به تلخی صدمبار شکست می ارزد (سقراط)



ارسطو

- * شادمانی عبارت است از پروراندن عالیترین صفات و خصایص (ارسطو)
- * این نه ثروت بلکه شخصیت است که جاودانه بوده و می باید (ارسطو)
- * هیچ چیز مانند احسان انسان را سیر نمی کند (ارسطو)
- * فضیلت انسان در نگهداشتن حد و وسط میان افراط و تفریط است (ارسطو)
- * دومین کار از بهترین کارها این است که کم ترین بدی را مرتکب شویم (ارسطو)
- * سعادت مند بودن به معنی خود بسنده بودن است (ارسطو)
- * تمایلات خود را میان دو دیوار محکم اراده و عقل حبس کنید (ارسطو)
- * هیچ چیز مانند احسان، انسان را سیر نمی کند (ارسطو)



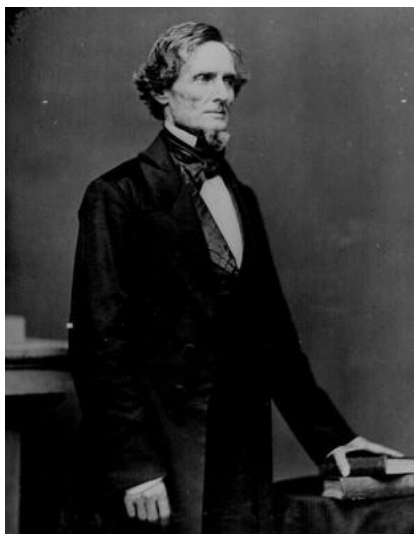
افلاطون

- * از نزدیکی کسی که قادر به حفظ اسرار و رموز زندگی خود نیست، پرهیز کن (افلاطون)
- * عاقل آنچه را که می داند نمی گوید ولی آنچه را که می گوید می داند (افلاطون)
- * در آینه نگاه کن اگر صورتی زیبا داری کاری مناسب جمالت انجام بده و اگر قیافه ات نامناسب است ، زشتی کردار را به زشتی صورت میفزا (افلاطون)
- * عشق بلایی است که همه خواستار آنند (افلاطون)
- * بدترین چیز این است که شخصی خودش را تعریف کند (افلاطون)
- * اگر روزگاری شان و مقامت پایین آمد نا امید نشو. آفتاب هر روز هنگام غروب پایین می رود تا بامداد روز بعد دیگر بالا بیاید (افلاطون)
- * برای مردم بی عشق دنیا گورستانی وسیع است (افلاطون)
- * هر که به چشم خود بزرگ بود، در چشم خلق حقیر باشد (افلاطون)
- * هر چیز را نگهبان بیشتر بود، استوارتر گردد، مگر راز که نگهداری هر چند زیاد باشد آشکاتر گردد (افلاطون)
- * توقف در زندگی مرگ تدریجی است (افلاطون)



کنفوسیوس

- * مرد بزرگ در جست و جوی حق است و مرد پست به دنبال منفعت (کنفوسیوس)
- * میانه روی و اندازه نگه داشتن، کمال طبیعت آدمی است (کنفوسیوس)
- * از زندگی چه می دانیم که از مرگ بدانیم؟ (کنفوسیوس)
- * مرد بزرگ یک طرفه قضاوت نمی کند (کنفوسیوس)
- * بسیار کسان خوشبختی را در بالاتر از آدمی می جویند و گروهی در پایین تر از او ، ولی خوشبختی درست به تمامت آدمی است (کنفوسیوس)
- * مرد آزاده پیوسته می کوشد در گفتار خود آهسته و در کردار خود تند و سریع باشد (کنفوسیوس)
- * اگر می دانی پایداری کن و اگر نمی دانی بگو نمی دانم، نشان دانش این است (کنفوسیوس)
- * میانه روی و اندازه نگه داشتن ، کمال طبیعت آدمی است (کنفوسیوس)
- * کسانی که حقیقت را درک کرده اندبا افرادی که حقیقت را دوست می دارند برابر نیستند (کنفوسیوس)
- * مرد عاقل همیشه آرام است و مرد حقیر همیشه مضطرب (کنفوسیوس)
- * مرد آزاده، پیوسته می کوشد که در گفتار خود آهسته و در کردار خود تند و سریع باشد (کنفوسیوس)



آبراهام لینکلن

- * مرد بی شهامت کسی است که جایی باید اعتراض کند، خاموش بنشیند (آبراهام لینکلن)
- * هر کاری که تصمیم آن را بگیری، نصفش را انجام داده اید (آبراهام لینکلن)
- * لبخند بیش از چند لحظه دوام ندارد، ولی خاطره ی آن جاودانی است (آبراهام لینکلن)
- * انسان آنقدر وقت ندارد که نیمی از عمرش را صرف نزاع و ستیزه کند (آبراهام لینکلن)
- * اگر بدانیم کجا هستیم کجا می رویم و به چه وسیله می رویم یکی از مشکلات خود و اجتماع ما برطرف می شود (آبراهام لینکلن)
- * اگر نمی خواهی در حق تو داوری شود، درباره دیگران داوری نکن (آبراهام لینکلن)



یاشار کمال

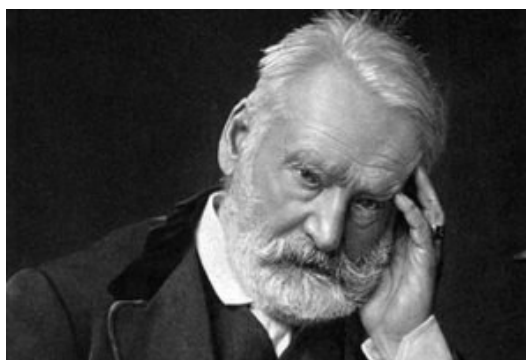
- * انسانی که بترسد دیگر انسان به حساب نمی آید (یاشار کمال)
- * انسان بودن به سن و سال نیست، خروج از انسانیت و انسان بودن آدم را می ترساند (یاشار کمال)
- * نباید با انسانها بازی کرد. هر انسانی یک نقطه حساس دارد که نباید تا جایی پیش رفت که به آن نقطه رسید (یاشار کمال)
- * یک انسان هر قدر جسور باشد به همان اندازه نسبت هم ترسو هست (یاشار کمال)
- * ترس و دلهره جز جدایی ناپذیر ذهن انسانی است ولی آن را درک نمی کند (یاشار کمال)
- * انسان زاییده ی ترس است اما این را هم نمی داند و چون نمی داند حاضر نیست آن را بپذیرد (یاشار کمال)
- * ذلیل ترین مخلوق خالق انسان های ترسیده هستند (یاشار کمال)
- * برای این دردمند زیاد داریم که نویسندگان خودفروش فراوان شده اند (یاشار کمال)
- * آن دسته از نویسندگان که امروز فراموش شده اند، زیر وحشیانه ترین شکنجه ها خون استفراغ کرده و مرده اند، اما خود را نفروخته اند، مایه افتخار تاریخ اندیشه ی ما هستند (یاشار کمال)



آلبر کامو

- * هیچ هنرمندی نمی تواند از حقیقت چشم ببوشد (آلبر کامو)
- * بشر تنها مخلوقی است که نمی خواهد آن باشد که هست (آلبر کامو)
- * فردا او آرزوی فردا را می کند در صورتی که همه وجودش آن را رد می کند. این عصیان طبیعی انسان پوچی است (آلبر کامو)

- * زندگی هر چقدر هم که معنی نداشته باشد باز بهتر است زندگی کرد. زندگی کردن به طور کلی قبول یک تجربه و یک سرنوشت است. سعه صدر اگر این سرنوشت را پوچ بدانند زندگی نخواهند کرد مگر اینکه بکوشند و این پوچ را که وجدان بر ملایش می سازد در مقابل خویش حفظ نمایند (آبر کامو)
- * همیشه منطقی بودن آسان است ولی تا آخر منطقی ماندن غیر ممکن است. اشخاصی که بدست خود می میرند، احساسات خود را تا انتها تعقیب می کنند(آبر کامو)
- * انسان همین که عادت کرد روزگارش بی دردسر می گذرد(آبر کامو)
- * بهترین برنامه ریزی برای آینده، بهره گیری درست از زمان حال است(آبر کامو)
- * آزادی چیزی نیست به جز فرصتی برای بهتر شدن(آبر کامو)

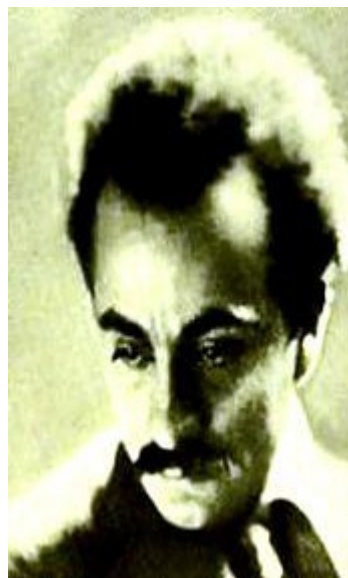


ویکتور هوگو

- * پیروزی واقعی جان آدمی ، فکر کردن است(ویکتور هوگو)
- * زیبایی که با فضیلت توأم نباشد، گل بی عطر و بی بویی را ماند(ویکتور هوگو)
- * هر کسی مدرسه ای بنا کند، زندانی را خراب کرده است(ویکتور هوگو)
- * زندگی گل است و عشق عسل آن(ویکتور هوگو)
- * مرد و زن ، هیچ یک به تنهایی انسان نیستند، انسان عبارت از هر دوی آن هاست (ویکتور هوگو)
- * مردم فاقد نیرو نیستند، فقط فاقد اراده هستند(ویکتور هوگو)
- * آنان که نمی توانند خود را اداره کنند، ناچار از اطاعت دیگرانند(ویکتور هوگو)
- * دانشمند کسی است که بکوشد درد و رنج خود را بکشد(ویکتور هوگو)
- * حسادت نوعی اعتراف به حقیر بودن خویش است(ویکتور هوگو)
- * پیروزی واقعی جان آدمی فکر کردن است(ویکتور هوگو)
- * مادران، اغلب طفلی را بیش تر دوست می دارند که بیش تر باعث رنج و زحمت آن هاست (ویکتور هوگو)
- * وقتی که کیسه خالی شد، دل پر می شود(ویکتور هوگو)
- * امید در زندگانی بشر آنقدر اهمیت دارد که بال برای پرنده(ویکتور هوگو)

جمیز آلن

- * آدمی زمانی می تواند آدمیت خود را آغاز کند که از ناله و فغان باز ایستد و عدالت نهایی را بجوید که زندگی اش را تنظیم می کند(جمیز آلن)
- * اندیشه های سرشار از شهامت و اتکاء به نفس و عزم جزم، به عادات مردانگی می انجامد (جمیز آلن)
- * تن خادم ذهن است(جمیز آلن)
- * بی هدفی شرارت است و آنکس که خواهان فاجعه و نابودی نیست نباید بی مقصود پیش براند (جمیز آلن)
- * آدمی باید پیوسته نیروهای انیدشه اش را به هدفی که برگزیده است متمرکز کند(جمیز آلن)
- * صاحبان روپا، نجات دهندگان جهانند(جمیز آلن)
- * بشریت نمی تواند صاحبان روپاها را فراموش کند و نمی تواند بگذارد آرمانهایشان محو شوند و بمیرند(جمیز آلن)
- * آدمی توسط خودش آباد و یا ویران می شود(جمیز آلن)
- * آدمی بعنوان دروگر خرمن خویش توسط رنج و بهجت هر دو را می آموزد(جمیز آلن)
- *عظیم ترین رفیق،نخست و روزگاری روپا بود(جمیز آلن)



جبران خلیل جبران

- * حتی خردمندترین ما هم زیر سنگینی مهر خم می شویم(جبران خلیل جبران)
- * تنها مرگ است که می تواند چراغ دانش درونی ات را کمرنگ سازد(جبران خلیل جبران)
- * دوستی با نادان همان اندازه تهی مغزانه است که بحث کردن با یک مست(جبران خلیل جبران)
- * چرا آدم بایست آنچه را که طبیعت ساخته را به نابودی بکشاند(جبران خلیل جبران)



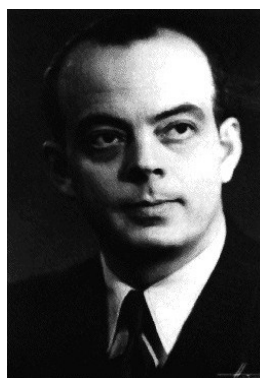
مادر ترزا

- * برهنگی فقط بستگی به یک پارچه ندارد، برهنگی یعنی بی توجهی به انسانیت و شرافت انسانی و شخصیت انسانی (مادر ترزا)
- * به دیگران آنقدر بدهید که به خودتان فشار بیاید (مادر ترزا)
- * کارهای بزرگ از دست ما بر نمی آید، اما می توانیم با عشق عظیم ، کارهای کوچکی انجام دهیم (مادر ترزا)
- * اگر دعا کنیم، ایمان خواهیم داشت، اگر ایمان داشته باشیم، محبت خواهیم کرد، خدمت نیز خواهیم کرد (مادر ترزا)
- * محبت واقعی اندازه نمی گیرد، فقط می دهد (مادر ترزا)
- * چیزهای کوچک واقعا کوچک هستند، اما امین بودن چیزهای کوچک چیز بزرگی است (مادر ترزا)
- * عشق میوه تمام فصل هاست و دست همه کس به شاخسارش می رسد (مادر ترزا)
- * اگر مدام در مورد مردم قضاوت کنی، دیگر وقتی نمی ماند تا آنها را دوست بداری (مادر ترزا)



برتولت برشت

- * کسی که در جستجوی علل عیب کارهاست پیش از آنکه جستجویش به مرز حکومت برسد اسیر زندان می شود (برتولت برشت)
- * شومی سرنوشت آدمیان، کار دیگر آدمیان است (برتولت برشت)
- * انسان سرنوشت انسان است (برتولت برشت)
- * دلیری لازم است برای گفتن حقیقت درباره خود، درباره واقعیت شکست خود (برتولت برشت)
- * هنگامی که بلندگوها فریاد بر می آورند که شخص نادان بهتر از آدم فهمیده است دلاوری لازم است تا کسی بپرسد ، برای چه کسی بهتر است؟ (برتولت برشت)
- * بیچاره ملتی که به قهرمانی نیاز داشته باشد (برتولت برشت)
- * آنکه می خندد، هنوز خبرهولناکی را نشنیده است (برتولت برشت)



آنتوان سنت اگزوپری

- * بالاترین لذت ها در شور و شوقی است که انسان را به ماجراجویی ها و پیروزی های بزرگ و فعالیت های خلاقانه وادار می کند (آنتوان سنت اگزوپری)
- * حقیقت آن چیزی است که از ما یک مرد می سازد (آنتوان سنت اگزوپری)
- * عشق تمرین نیایش است و نیایش تمرین سکوت (آنتوان سنت اگزوپری)



محمود دولت آبادی

- * جهان صاحب بی نهایت اشکال است (محمود دولت آبادی)
- * زندگی محکوم به زوال است (محمود دولت آبادی)
- * انسان تا کار نکند نمی تواند به شناخت چیزی برسد. انسان از رهگذر کار به قابلیت ها، ناتوانی ها و توانایی های خود پس می برد و از همین راه است که روابط اجتماعی و اقتصادی و مناسبات انسانی لمس و حس می کند (محمود دولت آبادی)
- * بعضی از مردها از عمری که دارند پیرترند (محمود دولت آبادی)
- * نوبل تنها کمک می کند که یک نویسنده میلیونر بمیرد (محمود دولت آبادی)

... و از تمام بزرگان

- * نبین که می گوید، ببین چه می گوید (بروسلی)
- * اعتقاد ما را به هدف نزدیک می کند (بروسلی)
- * زندگی قوی تر از مرگ است (مجتبی کاشی)
- * ما خود را بر اساس انگیزه هایمان و دیگران را بر اساس اعمالشان قضاوت می کنیم. (دوایت مرو)
- * یک پدیده از یک قانون واضح تر است. هر چه واضح تر باشد ملموس تر و ذهنی تر خواهد بود (اولیانوف)
- * کسی که اخلاق ندارد، انسان نیست جزء اشیاء است (شانفور)
- * عده ای دائما می نالند که گلسرخ خار دارد، ما باید شاد باشیم که خارها گل دارند. (آنفوس کار)
- * خوشبختی وظیفه نیستولی نتیجه انجام وظیفه است. (ارنست فاروت)
- * هنگامی که وظیفه ات را انجام دادی، موظفی از انجام آن شادمان باشی (گوته)
- * هنرمند متعلق به آثارش است و آثارش متعلق به دیگران (برکسون)
- * حقیقت را دوست بدار ولی اشتباه را عفو کن (ولتر)
- * چه بخواهیم، چه نخواهیم وجدان بر ما غلبه دارد، یا بر ضد ما یا به نفع ما (لامارتین)
- * هیچ بیماری، جانکاه تر از آن وجود ندارد که نسبت به شاد زیستن بی اعتنا باشیم. (سونتنی)
- * شادی آتش مقدسی است که ما را گرم و ذکاوت ما را روشن نگاه می دارد. (هلن کلر)
- * نادان خوشبخت و عاقل بدبخت وجود خارجی ندارد (سیسرو)
- * با غرایزی به محکمی سرب نمی توان اخلاقی به نرمی طلا پیدا کرد (اسپنسر)
- * حکومت طلائی آنجاست که نتوان قوانین را با پول خرید (برنارد شاو)
- * کارهای بزرگ تنها از مردان بزرگ ساخته است و مردان هنگامی بزرگ می شوند که بخواهند (شارل دوگل)
- * جهان از هیاهو و کلی هلاک خواهد شد (کیر که گور)
- * تو فقط امروز زنده نیستی، فکر آینده هم باش (مارسل آشارچ)
- * همه چیزهایی که درباره ترجمه، عدالت و فضیلت یاد داده اند دروغ است. اما بزرگترین دروغ آن است که خدا را عشق می داند. این بدترین دروغی است که به فکر بشر رسیده است (ویلیام مارچ)
- * معلم نفس خود و شاگرد وجدان خویش باش (ابوعلی سینا)

- * دانای بی وجدان هیچ گاه صاحب روحی پاک نخواهد بود (رابله)
- * هیچ چیز در این دنیا اتفاقی نیست (دایر)
- * اغلب آنهایی پیروز و موفق می شوند که کمتر تعریف و تمجید شنیده باشند (امیل زولا)
- * تا خود را از هر جهت کامل و شایسته ندیدی، قضاوت نکن (پوشکین)
- * بعضی ها قدرت نگهداری یک مطلب دروغ را ندارند ، چه رسد به حفظ یک مطلب راست و درست (هاندی دوروینه)
- * بدون تعقیب هدفی معین، زندگی لذتی ندارد (کولانی)
- * کتاب ها اعمال مرده ی انسان اند (بالزاک)
- * اگر انسان شهامت زندگی بر اساس باورهایش را داشت هرگز حتی کلمه ای روی کاغذ نمی آورد (هنری میلر)
- * وقتی عدم اعتماد شروع شود صمیمیت از بین می رود (پوشکین)
- * فردا هرگز دیر نخواهد بود اگر بدانید در جستجوی دانش هستید (ژان ژوند)
- * علت اصلی هر ملامت و اندوه تنبلی است (پورتن)
- * تمسخر سلاح ضعیفان است (لاوی)
- * چیزی بگو که ارزش آن بیش از خاموشی باشد (دیل کارنگی)
- * با دیگران بخند، نه بر دیگران (دیل کارنگی)
- * فقیرترین مردم کسی است که رویایی در سر ندارد (زیگ زیگلر)
- * در عالم دوجیز است که از همه زیباتر است. آسمان پرستاره و وجدانی آسوده (کانت)
- * برای انسان مهم ترین مساله شناخت بهتر و مسئولیت هاست که هرگز نباید از آنها چشم ببوشد (هورست گرون والد)
- * حقیقت گرانبهاترین چیزی است که ما داریم (مارک تواین)
- * صدای اندیشه از صدا و غوغای توپ و تانک قوی تر است. اندیشه قوی تر از ارتش است (پاکستان)
- * فهم این مساله که بیشتر افکار ما به اندازه افکار اطرافیان ما ابلهانه است، امری است دشوار (جمیز هاروی رابینسون)
- * در زندگی انسان هیچ چیز هراس آورتر از نبودن پاسخ نیست (میخائیل باختین)
- * کتاب ها را باید چشید، برخی را باید بلعید و معدودی را باید جوید تا قابل هضم شوند. (فرانسیس بیکن)
- * بدی در تاریکی خفته است (کریستوفر فرانک)
- * کسانی که دیگر آینده ای ندارند، از گذشته حرف می زنند (کریستوفر فرانک)
- * شادی تقسیم نشده، اندوهی است بزرگ شده (کریستوفر فرانک)
- * خصوصیات یک مرد سیاسی این است که قدرت پیشگوئی داشته باشد. پیشگویی اینکه فردا و هفته آینده و ماه آینده و حتی سال آینده چه پیش خواهد آمد و بعد قدرت توجیه اینکه چرا این اتفاقات روی نداده است (چرچیل)
- * سیاستمدار بندبازی است که تعادلش را با گفتن عکس آنچه انجام می دهد، حفظ می کند. (موریس باره)
- * فکر مثل چتر نجات است. موقعی کار می کند که باز است (جمیز دوار)
- * در سیاست دوست واقعی پیدا نمی شود، همه ما چرخ زنان مثل کوسه منتظریم تا رد خونی پیدا کنیم (آلن کلاک)
- * وقتی قدرت را بدست گرفتم آنچه مایه حیرتم شد این بود که دیدم وضع به همان خرابی است که می گفتم (کندی)
- * آنچه افکار عمومی می نامیم، احساس عمومی است (دیزراییلی)
- * در جوانی هرگز نخواستم رادیکال باشم تا در ایام پیری محافظه کار از آب در نیامم (رابرت فراست)
- * اگر می دانستم اینقدر عمر می کنم از خودم مواظبت می کردم (یوبی بلیگ)
- * لازم نکرده شما پیری ام را به رخ بکشید من خودم شانه ای دارم که این کار را برایم می کند (استیفن فرابی)
- * پیری در نظر من یعنی پانزده سال بیشتر از سن و سال خودم (برنارد باروک)
- * پشت سر هر مرد موفق سالها شکست قرار گرفته است (باب براون)
- * کوتاهترین فاصله میان دو نفر خنده است (ویکتور برج)

- * برای آنکه شورایی بتواند کاری انجام دهد باید تعداد افراد آن از سه نفر تجاوز نکند و آن عده دو نفر غایب باشند (رابرت کایلند)
- * چهره سرشناس کسی است که یک عمر برای مشهور شدن تلاش می کند و وقتی مشهور شد عینک دودی می زند تا کسی او را نشناسد (فردالین)
- * عشق مثل سرخک است. هر چه دیرتر سراغ آدم بیاید بدتر است (داگلاس جرولد)
- * وراثت چیزی است که وقتی فرزند باهوشی دارید به آن اعتقاد پیدا می کنید (تورپین)
- * اگر می خواهی بچه هایت گوش دهند با یکی دیگر آهسته صحبت کن (آن لاندروز)
- * روان رنجور کسی است که قصر خیالی می سازد و وران پریششخصی است که در چنین قصری زندگی می کند و وران پزشک کسی است که اجاره بهای چنین قصری را می گیرد (جروم لارنس)
- * ریاکاری ادای احترام شرارت به فضیلت است (روشفکو)
- * از زندگی که ن و سال واقعی اش را می گوید ، هر کاری از دستش بر می آید (اسکاروایلد)
- * بسیاری مردهایی که موفقیت خود را مدیون زن اولشان هستند و زن دومشان را مدیون موفقیت خود (جیم باکوس)
- * همین که نتوانستی چیزی را از زنی پنهان کنی بدان که دوست داری (پال جرالدی)
- * عشق به شهرت و افتخار از هوس هایی است که عارفان به آن اعتنا ندارند (تاسیست)
- * تندرستی بزرگترین نعمت و خرسندی ، بهترین ثروت است (بودا)
- * هرروز مقداری از علم و ثروت خود را وقف دیگران کنید (مهاویرا)
- * آنکه از کردار خود خوشنود باشد ، شرمندگی نخواهد کشید (تاو)
- * نوشتن مانند زاییدن است. جنین وقتی کامل می شود پا به عرصه هستی می گذارد.
- * نهال فکر هم تا تکامل نگردد ثمری نمی دهد و هم چنان که جنین با تلاش و تقلا به دنیا
- * من برای دوستم کفشی خریدم، او از آن کفش برای دور شدن از من استفاده کرد (میگی رونی)
- * ناامیدی به طور ساده احساس یاسی است ک هدر اثر لطمه خوردن به احساس خود دوستی بوجود می آید (فرانسوا دوفنون)
- * تنها چیزی مهع مرا ناراحت میک ند ناراحتی است (گلراستاینم)
- * هیچ چیز وحشتناک نیست جز خود ترس (فرانسیس بیکن)
- * ترس سر چشمه خرافات و منشاء بی رحمی است. غلبه بر ترس شروع خردمندی است (برتراندراسل)
- * در نتیجه کارم به هزاران مورد بی نتیجه پی بردم (تاماس دیسون)
- * یا انجام می دهید یا انجام نمی دهید، سعی می کنیم در کار نیست (بودا)
- * آنکه بش از اندازه محتاط است بسیار کم کار انجام می دهد (شیلر)
- * جنگیدن با دشمنی که در مغز ما پایگاه دارد کار دشواریست (سالی کمپتون)
- * جسارت بدون تعقل کار خطرناکی است و تعقل بدون جسارت بی ثمر. اگر یک فکر سلیم و اراده ما را راهنمایی نمی کند، کوشش و اقدام ما بدرد نمی خورد (گستاو لوبون)
- * اینقدر از مرگ نترسید، بلکه از زندگی ناشایست بترسید (برتلد برفت)
- * تقریباً هر انسانی بخش بزرگی از زندگی خود را در تلاش برای اثبات صفاتی که ندارد می گذراند (سامویل جانسون)
- * اگر دلتان پرپر بزند مسئله مهمی نیست به شرط آنکه کمکت کند ت پرواز کنید (دکتر راب گیلبرت)
- * آنکه مشغول متولد شدن نیست ، مشغول مردن است (باب دیلان)
- * زندگی ارزشی ندارد ولی هیچ چیز مثل ارزش زندگی نیست (آندره مالرو)
- * فقط دو چیز بی نهایت وجود دارد. جهان و حماقت انسان و من در مورد اول خیلی مطمئن نیستم (انیشتن)
- * به دشمنانت بدی نکن چون امکان دارد روزی دوستی با تو دشمن شود (دیکسون)
- * بهترین دوست ، دانایان را دانید و بدترین مردم، طعنه زنانا را دانید (انوشیروان عادل)

- * هر که نیک نهاد و پاک منش و کوشاست ، به آنچه سزاوار است، می رسد (بزرگمهر)
- * خدمت به خلق وظیفه نیست بلکه لذت است، زیرا سلامتی و شادمانی را زیاد می کند (زرتشت)
- * هر چه کمتر آرزو داشته باشید، محرومیت های شما کمتر خواهد بود (پلوتارک)
- * خورشید صفت، با همه کس، یکرو باش (بایزید بسطامی)
- * کسی که در هر امری از وجدان خود تبعیت می کند هیچ گاه خسته نمی شود (فرانسیس بیکن)
- * اگر می خواهی محل اعتماد باشی، راستگو و درست کار باش (کانت)
- * سعادت آرامش خاطر است (پاسکال)
- * کینه را نه با کینه، بلکه با عشق و جوانمردی باید مغلوب ساخت (اسپینوزا)
- * ادب چیز غیر از گفتار و رفتار توام با مهربانی نیست (ولتر)
- * عموماً اشخاصی که زیاد می دانند ، کم حرف می زنند و کسانی که کم می دانند پرحرف هستند (ژان ژاک روسو)
- * حسادت احمقانه ترین زذایل است زیرا به کسی منفعتی نمی رساند (بالزاک)
- * هنر ودانش برگزیده ترین و بزرگوarterین مردم را به هم مربوط می سازد (بتهوون)
- * کسی که نتواند بر ترس غلبه کند، هنوز اولین درس زندگی را نیاموخته است (امرسون)
- * صمیمیت یکی از دلایل بلوغ است (بودلر)
- * آهنگ صدا هر چه ملایم تر و مطبوع باشد، سخن موثر و دلنشین تر خواهد بود (جان کایزل)
- * وقتی شما نسبت به دیگران مهربان هستید یعنی نسبت به خودتان مهربان ترید (فرانکلین)
- * دین یعنی زیستن به آیین خرد (احمد کسروی)
- * هیچکس خودش نیست (گلی ترقی)
- * نیکی چیزی است که بیش از هر چیز مردم را خلع سلاح می کند (لاکودر)
- * صبر و امید دو عامل موفقیتند (الکساندر دوما)
- * یا درست حرف بزنی، یا عاقلانه سکوت کن (ژرژ هربرت)
- * همیشه صراحت بیان داشته باش و با قدرت حرف بزنی (فلمز)
- * جوانمردی آن است که بار خود بر خلق نهی (عطار نیشابوری)
- * هنر زیور بشر است و بشر زیور کیهان (ناصر خسرو)
- * تعلیم بزرگترین هدیه ای است که مردم نیکوکار می توانند به گدایان و بینوایان بدهند (ولتر)
- * شجاعت بزرگترین معرف انسانیت است (دانیل ویستر)
- * عقل نیرویی است که دنیا را اداره می کند (امرسون)
- * خوشبختی تویی است که وقتی می غلتد به دنبالش می رویم و وقتی توقف می کند به آن لگد می زنی (شاتو بریان)
- * هر انسان خود را نمی شناسد مگر در فقر و بدبختی (آلفرد دوموسه)
- * برای اینکه دوست پیدا کنی باید خود را لایق و آماده دوستی بار بیاوری (آندروه مالرو)
- * یک اراده قوی ، شرایط دیگر چندان اهمیت ندارد (گوته)
- * بزرگترین سرمایه آدمی توانگری نیست بلکه خوی خوش است (پوشه)
- * شهامت، بزرگترین صفت است . زیرا صفات دیگر در سایه آن پابرجا می ماند (چرچیل)
- * صاحبان اخلاق ، روح جامعه خود هستند (اسپینوزا)
- * با استقامت به همه چیز می توان رسید (دولافوتنن)
- * نعمت های خود را بشمارید نه محرومیت ها را (دیل کارنگی)
- * اراده بهترین راهنمای طبیعت است (ساموئل اسمایلز)
- * ثروت را برای زندگی بخواهید نه زندگی را برای ثروت (لرد آویبوری)
- * ناامیدی یعنی دوست داشتن خود، دیگر هیچ (سیرون)

- * کسی که رازتان را به او می گویند صاحب اختیار آزادی شما می شود (ژرژشفکو)
- * مردانگی تنها به مرد بودن نیست، به همت و گذشت است (هگل)
- * تنها دلداده زیبایی نباش ، دلداده ی کمال باش (سعید نفیسی)
- * خنده بهترین اسلحه جنگ ب ازندگی است (آنا تول فرانس)
- * بد اخلاق در دست دشمنی گرفتار است که هر جایی برود از چنگ عقوبت او رهایی نیابد (سعدی)
- * مقصود از زندگانی فقط سعادت‌مندی نیست، بلکه تکامل است (مادام بارشتال)
- * یک ساعت زندگی با افتخار به یک قرن گمنام زیستن می ارزد (والتر اسکات)
- * یک درخت برای من یک انسان و تماشای آن برایم بزرگترین لذت است (بتهوون)
- * نخستین عشق توام با کمی حماقت و مقدار زیادی کنجکاوی است (جرج برنارد شاو)
- * نان همه کس را مخورو نان خود را از هیچکس دریغ مدار (خواجه عبدا... انصاری)
- * مارد خوب به صد اتساد و آموزگار برتری دارد (جرج ولز هربرت)
- * وجدان راهنمای بی مانند و دادرسی بی طرفی است (منتسکیو)
- * مقیاس ارزش مرد اهمیتی است که به وقت خود می دهد (رالف امرسون)
- * تحمل شکست ما را بسر منزل کامیابی می رساند (بزرگمهر)
- * بهترین مصلح کسی است که اصلاح را از خود آغاز کند (جرج برنارد شاو)
- * بهترین وسیله برای دفع دشمنان ازدیاد دوستان است (بالزاک)
- * بهترین چاره غضب ، به تاخیر انداختن آن است (لوسیوس سنکا)
- * تواضع نردبان، بلندی و بزرگی است (شکسپیر)
- * بزرگترین عیب آن است که از عیب خویش آگاه نباشیم (توماس کارلایل)
- * برای کسی که آهسته و پیوسته راه می رود هیچ راهی دور نیست (ژان دولابردیر)
- * خدمت به خلق وظیفه نیست، عبادت است (زرتشت)
- * آدمی آفریننده سرنوشت خویش است (زرتشت)
- * با کار است که انسان از پایگاه بودن به پایگاه شدن می رسد (هگل)
- * اگر هر یک از ما کارهایی را که قابلیت انجام آن را داریم انجام می دادیم، جدا شگفت زده می شدیم (ادیسون)
- * پر اهمی ترین کارها هرگز نباید قربانی کم اهمیت ترین کارها شود (گوته)
- * تجربه بدون نظریه کور است، اما نظریه بدون تجربه تنها یک بازی ذهنی است (کانت)
- * اخلاق باید بر هنر حکومت کند (کانت)
- * زندگی از تار و پود خوب و بد بافته شده است (آنا تول فرانس)
- * وقتی چیزی را که نداریم دوست داریم، باید آنچه را که داریم دوست داشته باشیم (راپوتین)
- * خوشبختی خانوادگی، طولانی ترین و محکم ترین و شیرین ترین سعادت هاست (ولتر)
- * سعادت‌مند کسی است که مشکلات و مصائب لبخند بزند (شکسپیر)
- * در قلب خود بنویسید هر روز بهترین روز سال است (امرسون)
- * آندوه، مرگ روح است و شادی، زندگی آن (وینه)
- * برای ازدواج زنی را انتخاب کن که اگر مرد بود برای دوستی و رفاقت انتخابش می کردی (ژوزف ژوبر)
- * همیشه کسانی از زندگی شکایت می کنند که چیزهای غیر ممکن خواسته اند (ارنست رنان)
- * باید ترسید، اما نه از مرگ، بلکه از زندگی پوچ (برتولت برشت)
- * دنیا به من مدیون است و من مدیون است و من به مادرم (ادیسون)
- * تنها برای مادرم، فنون و مهارت های دوست یابی را بکار نبردم (دیل کارنگی)
- * یک بوسه ی مادر بود که مرا نقاش کرد (سانتی رافائل)

- * تنها در آغوش ماردم، خود رادر امان می دیدم (نادرشاه)
- * مادر، شعر بهشت است (آندره ژید)
- * با پول در هر عشقی می توان نفوذ کرد به جز مادر (برنارد شاو)
- * عشق مادری مانند دایره نه آغازی دارد نه پایانی (آرت اوربن)
- * عشق مادری، غیر ممکن نمی شناسد (پداک)
- * حکومتی بهترین است که کمتر حکومت کند (هنری دیوید تورو)
- * آثار بزرگ وقتی پدیده می آیند که دوره تاریخی آنها به پایان رسیده و یا در حال زوال است (توماس مان)
- * تا زمانی که از یک زخم که جنگی بوجود آورده است خون می چکد، جنگ هنوز به پایان نرسیده است (هاینریش بل)
- * البته رهایی از قید و بند دست و پا گیر و فدا کردن همه چیزها برای هدف بد نیست، اما هدف بدون ارزش انسانی برای من تنها یک مفهوم دارد، نوشتن را کنار بگذارم (هاینریش بل)
- * کتاب آموزگاری است که بدون عصا و تازیانه ما را تربیت می کند (جکسون براون)
- * زمانی چشمت به سازمان بزرگی می خورد باید بدانی که زمانی شخصی تصمیم شجاعانه ای گرفته است (پیتر دراگر)
- * بخش خوب است، بهتر از آن فراموشی کردن آن است (رابرت براونینگ)
- * آنچه توفان با هوا انجام می دهدف ناامیدی با جان و روح آدمی می کند (فردریک ون شیلر)
- * کسی که می خواهد زندگی اش از هم پاشیده نشود، باید به مردم اعتماد کند و آنها را دوست بدارد (ای ام فوستر)
- * تجربه معلم سختگیری است، چرا که نخست امتحان برگزار می کند و سپس درس های لازم را به شما می دهد (ورنون لاو)
- * تصمیمی جدی بگیری ت اشد و سرمست باشی و همچون سدی شکست ناپذیر در مقابل مشکلات بایستی (اپیکتوس)
- * بزرگترین سرمایه آدمی توانگری نیست، بلکه خوی خوش است (ویکتور پوشه)
- * یک تصور گویا به اندازه هزاران کلمه می ارزد (فردریش برنارد)
- * قانون زندگی، قنون ایمان و اعتقاد است (ژوزف مورفی)
- * وای بر تو اگر بگویی خوشبختی من مرده است (آندره ژید)
- * به هنگام ناراحتی بهتر است هیچ نگوئی (شکسپیر)
- * خوشبین نوری را که وجود ندارد می بیند و بدبین همیشه دنبال خاموش کردن آن نور است (میشل دوسن پیر)
- * انسان بزرگ کسی است که در انتظار فرصت نباشد، بلکه آنرا بیافریند (فرانلکن)
- * هر اقدام بزرگ ابتدا محال به نظر می رسد (کارل لایل)
- * من برای شادمانی به دنیا نیامدم، بلکه آمده ام تا آکارهای بزرگ انجام بدهم (بتهون)
- * سرنوشت ملت ها را نه حکومت ها، بلکه خصلت های ایشان رقم می زند (گوستاو فلوبر)
- * برای هر کار با ارزشی که دز زندگی انجام دادم به سختی مجازات شدم (ارل وارن)
- * با این حرف که دنیا باید زندگی شما را تامین کند به این سو و آن سو نروید، دنیا به شما دینی ندارد، چون قبل از شما وجود داشته است (مارک تواین)
- * اراده های ضعیف همواره به صورت حرف و گفتار خودنمایی می کند، لیکن اراده های قوی جز در لباس عمل و کردار ظهور نمی یابد (گوستاو فلوبر)
- * اراده هر کس در برابر مقدرات او ایستاده و در حول محور وی می چرخد (ژان نلینو)
- * با اراده قوی مال همه چیز هستی (گوته)
- * بدترنی غم ها شک و تردید است (الکساندر دوما)
- * چیز خوب یا بد وجود ندارد، اندیشیدن آن را خوب یا بد می سازد (کریستوفر مارلو)
- * قبول حقیقت از بیان حقیقت سخت تر است (هیچکاک)
- * کاری را که می خواهی دیگران برایت انجام بدهند، خودت انجام بده (کریشنامورتی)

- * اگر دلیل کافی داشته باشی به هر کاری توانا خواهی شد (جیم ران)
- * هیچ میراثی گرانبهاتر از راستی و درستی نیست (شکسپیر)
- * وجدان آینه ایست که نه تملق می گوید و نه تحقیر می کند (هیندنبورگ)
- * دانا انتظار ندارد کارهای او مورد تمجید و تحسین قرار گیرد (لائوتسه)
- * ایده ما سرمایه ای است که فقط وقتی در دست افراد با قریحه و با نوبخ می افتد مفید واقع می شود (بالزاک)
- * انسان در عشق رشد می کند، اگر می خواه عشق را بشناسی باید آن را زندگی کنی (مک لوهان)
- * عشق وقتی طلبکار می شود ک هدر از راه می رسد (لئوبوسکالیا)
- * ساده ترین کار جهان این است که خودت باشی و دشوارترین کار جهان آن است که دیگران می خواهند (اشلی مونتاگو)
- * امید نان روزانه بیچارگان است (بالزاک)
- * اندیشه های عالی دنیای عالی را می سازند. من اندیشه هایم را به دقت انتخاب می کنم. (پرموترا)
- * هرگز نمی توان با آدم های حقیر کارهای بزرگی انجام داد (سیدرون)
- * برای نیم کیلو عسل، زنبورها شهر حدود دو میلیون گل را می مکند (پرموترا)
- * دل شیر داشته باش، اما کاردانی روباه را فراموش مکن (پرموترا)
- * کسی شمارا به خاطر خشمگین شدنتان مجازات نمی کند، همین خشم است که شما را به کیفر می رساند (دبیلو وین دایر)
- * جهان به تلاش بها می دهد نه به بهانه (متیوس)
- * اندیشه کردن که چه گویم، به از پشیمانی که چرا گفتم (سعدی)
- * بهترین چاره غضب به تاخیر انداختن آن است (لوسیون نگا)
- * اولین مرحله انجام کار خیر تمایل به آن است (رواند هیل)
- * نبوغ چیزی است مگر استعداد فراوان در صبر و شکیبایی (بوفون)
- * فراوانی گفتار بیهوده نشانه قطعی از ضعف شخصیت گوینده است (گوستاو فلوبر)
- * محبت خرجی ندارد، در حالی که همه چیز را خریداری می کند (شامفور)
- * جایی که قانون ختم می شود، ظلم و ستم آغاز می گردد (ویلیام بیت)
- * کسی که از ادب و تربیت پدر بهره ندارد روزگار او را تربیت خواهد کرد (قابوس)
- * کسالت مرضی است که کار علاج آن است (لوک دولوی)
- * مادر هر عیب و پریشانی فقر است (روسو)
- * کسی که حفظ جان را مقدم به آزادی بداند، لیاقت آزادی را ندارد (بنیامین فرانکلین)
- * در قضایای مربوط به عشق فاصله میان پاکی و خطا فقط یک بوسه است (استاندال)
- * زنانی که می خواهند مرد باشند، زنانی هستند که نمی دانند زن هستند (الکساندر دوما)
- * هدفهایتان باید به بلندای قامتتان و صبر و بردباریتان به وسعت تمام وجودتان باشد (کیم وو چونگ)
- * رقیبان ناشناخته حریفان واقعی شما هستند (کیم وو چونگ)
- * چه کمیاب اند دوران های خوشی که بتوانی به آن چه اراده کنی بیندیشی و آن چه را می اندیشی بگویی (تاسیتوس)
- * به زبان اجازه نده که قبل از اندیشه ات به راه افتد (شیلون)
- * نگران نباشید که روزی زندگی اتان به انتها می رسد، از آن بترسید که هرگز شروع نشود (گریس هنیس)
- * اگر می خواهید نگرش ها را تغییر دهید، کارتان را با تغییر دادن یک رفتار شروع کنید (ویلیام گلاسر)
- * اگر منتظر بنشینیم تا همه چیز صدد صد فراهم شود هرگز کاری را شروع نمی کنیم (ایوان تورگنیف)
- * مهمترین پرسش در زندگی من این است برای دیگران چه می کنید؟ (مارتین لوتر کینگ)
- * نرسیدن به هدف مصیبت نیست، نداشتن هدف مصیبت است (بنجامین میز)
- * کسی که به فکر انتقام باشد، همیشه زخم های خود را تازه نگه می دارد (باکرن)
- * انسانیت نیازمند حقیقت است (بیکن)

- * عدالت یعنی اراده و تصمیم ثابت انسان به این که حق هر فردی را ادا کنیم (جان کایزل)
- * هیچ موجودی را نباید کتک زد (میخاییل ولگاکف)
- * اگر آدم هیچ وقت عجله نکند، برای همه چیز وقت پیدا می شود (میخاییل ولگاکف)
- * تکامل هر سال توده ی پسمانده را بی رحمانه پس می زند . چند مرد نابغه می آفریند که زینست بخش جهان می شوند (میخاییل ولگاکف)
- * هر اقدام بزرگ ابتدا محال به نظر می رسد (تومای کارلایل)
- * استعداد بزرگ بدون اراده بزرگ وجود ندارد (بالزاک)
- * از بین بردن عادت های کهنه خیلی سخت است گاهی که متداول شد حالت قانون پیدا می کند (ژوزه ساراماگو)
- * زبان گفتار هر چیزی قابل بخشش است (ساراماگو)
- * عفو به هنگام داشتن قدرت، نشان دلیری است (بوعلی سینا)
- * از میانه روی یک خوشبختی پاک سر می زند (گوته)
- * هرگاه در راه برتر از خود یا چون خود نیابی ، آن بهتر که تنها راه روی (بودا)
- * در زندگی هیچ قاعده ای در اداره زندگی محکم تر از تاکید بر کار فرد را به واقعیت وابسته نمی کند (فرید)
- * در جوانی بار زندگی را ببندید که در پیری وقتی نیست (بتهوون)
- * اگر می خواهی پیری آرامی داشته باشی ، جوانی شلوغی نداشته باش (آسیموف)
- * گیری به سال نیست به حال است (جان اشتاین بک)
- * هیچ وقت بیش از تحمل هر کس، از او توقع مکن (بالزاک)
- * تجمل امروز تو، مقدمه آسایش فردای تو است (بودا)
- * وقتی خودت نمی توانی تحمل کنی ، از دیگران انتظار تحمل نداشته باش (دالی)
- * کار نه فقط هزینه زندگی را تامین می کند، بلکه زندگی کردن را هم به انسان می آموزد (هنری فورد)
- * برای بقای صلح جهانی، باید ملت ها به هم نزدیک شوند نه دولت ها (ایرن)
- * با وحشت به صحنه های جنگ نگاه کنید، بعد صلح طلب خواهید شد (جک لندن)
- * زندگی شما وقتی زیبا و شیرین خواهد شد که پندارتان، کردارتان و گفتارتان نیک باشد (زرتشت)
- * هرگز خودتان را با کسی مقایسه نکنید، شما فقط خودتان هستید (بتی فورد)
- * روزی که اولین بار به طور واقعی به خودتان خندیدید، رشد خواهید کرد (اتل بریمور)
- * اگر انتظار و توقع نداشته باشی همه تو را دوست خواهند داشت (تاگور)
- * کسی که به خود اطمینان دارد به تعریف کسی احتیاج ندارد (گوستاو لوبون)
- * با یک لبخند، هر دری به روی انسان گشوده می شود (فرانکلین)
- * در سقوط افراد در چاه عشق قانون جاذبه تقصیری ندارد (انیشتن)
- * شما بدون تسلط به خود نمی توانید فاتح دیگران شوید (کیم ووچونگ)
- * بهترین راه پیش بینی آینده، ساختن آن است (برایان تریسی)
- * پیروزی حق کسانی است که از شکست های خود درس گرفته اند (فرانسیس بیکن)
- * فقط به موفقیت دیگران شاد باش تا از شکست تو متاثر شوند (آلفرد نوبل)
- * از موفقیت دیگران شاد باش تا از شکست تو متاثر شوند (اقبال لاهوری)
- * بیش در هر مورد باید عمقی باشد، بیش سطحی رفع تکلیف است (پوشکین)
- * پدر بودن به سلطنت و فقر نیست، به تربیت است (هلن کلر)
- * همواره حقیقت را باید با دلی ساده و عاری از غش جست و جو کرد (برنارد سن پیر)
- * سرنوشت خود را با افکار تعیین کنید (توماس کارلایل)
- * عیب جامعه این است که همه دلشان می خواهد آدم مهمی باشند و هیچ کس نمی خواهد فرد مفیدی باشد (چرچیل)

- * هنر بازآفرینی واقعیت است نه رونوشت آن (بلنسکی)
- * دانش بی اندیشه دام است و اندیشه بی دانش بلا (حکمت هندو)
- * دانش کم خطرناک است یا باید چشمه را تا نوشید یا اصلا لب نزنید (الکساندر پوپ)
- * کار چیزی غیر از نان در آوردن است. کار بخشی از بافت زندگی ما را تشکیل می دهد (سمیون دوبوار)
- * زندگی خواب است و عشق رویای آن (آلفرد دوموسه)
- * مرگ یا کشته شدن ترسی ندارد، زهر هراس آن در غیره منتظره بودنش نهفته است (تونی موریسون)
- * حتی تظاهربه شادی نیز برای دیگران شادی بخش است (چارلی چاپلین)
- * وقتی یک نفر آدم می کشد ما او را قاتل و وحشی می خوانیم، ولی کسی که هدستور قتل میلیونها انسان را صادر می کند، به او افتخار می کنیم (چارلی چاپلین)
- * هیزم شکن قبل از آنکه نیرو و قدرت بخواهد مهارت لازم دارد (هومر)
- * هر چه بیشتر فکر کنیم می فهمیم که هیچ نمی دانیم (فرانسوا ماری ولتر)
- * تکامل باید هدف اولیه تمام هنرمندان حقیق باشد (بتهون)
- * بین کسی که با شوق و حرارت می خواهد کتاب را مطالعه کند با کسی که می خواهد خستگی خود را با کتاب بر طرف سازد، تفاوت بسیار است (چارلز دیکنز)
- * زمانی که پله های ترقی را طی می کنی به دیگران خوبی کن، زیرا هنگام سقوط با همین مردم مواجه خواهی شد (ویلسون میزور)
- * بدگویی همان غیبت است ولی آمیخته با جنبه های خشک و کسل کننده ی اخلاقی (اسکاروایلد)
- * پاکدامنی و استقامت از تمام پیمان ها و سوگندها محکم تر است (مادام تکر)
- * اگر فضیلتی ندارد وانمود کنید که دارید (شکسپیر)
- * خطاکارترین کسان، افرادی هستند که عیب دیگران را می بینند (فرانسیسی بیکن)
- * بشر امروز را زندگی می کند برای این که به فردا دسن پیدا کند (برنارد شاو)
- * انسان کائنات است زیر هر سنگ قبری تاریخ کامل هستی مدفون است (هاینه)
- * نپرسید کشورتان چه کاری می تواند برای شما می تواند بکند، پرسید شما چه کاری می توانید برای کشورتان بکنید (جان اف کندی)
- * آزادی توفان است ترسوها آرامش استبداد را ترجیح می دهند (توماس جفرسون)
- * قرائت کتاب های خوب، مکالمه شرافتمند گذشته است (دکارت)
- * با علاقمند شدن به دیگران خودتان را فراموش کنید (تئودور درایزر)
- * چیزی را که ملت هرگز به حکومت ها نمی بخشد، خطاهایی است که خود ملت مرتکب شده و دولت از آن جلوگیری نکرده است (کنت اسفورزا)
- * بکشو عظمت در نگاه تو باشد نه آنچه بدان می نگری (بودا)
- * هر چه فکر شما بزرگ باشد، به افکار دیگران بیشتر احترام می گذاری (پاسکال)
- * ادبیات ترمین آزادی است (سارتر)
- * ملت های ترسو سرودهای ملی دارند که در آنها دلیری را تحسین می کنند و ملت‌هایی کم عاطفه نمایشنامه هایی دارند از عشق و محبت داد سخن می دهند (هرمان هسه)
- * اسامی خاطرات شکوهمندی را زنده می کنند (هرمان هسه)
- * انسان تنها موجود روی کره ی خاکی است که به اشیاء معنا می دهد (هرمان هسه)
- * کسانی که آزادی های لازم را لغو می کنند تا امنیت موقت داشته باشند، نه لیاقت امنیت را دارند و لیاقت آزادی را (فرانکلین)
- * انسان خود را نمی شناسد مگر در هنگام فقر و بدبختی (آلفرد دوموسه)

- * عقاید مثل امراض می مانند، انسان مبتلا به عقاید می شود (سارتر)
- * با یورش بی وقفه فکر، هیچ مشکلی تاب مقاومت ندارد (ولتر)
- * چاپلوسی یونجه ای دلنشین برای ابلهان دراز گوش است (جاناتان سوپت)
- * جنگ، بزرگترین احمقی هاست که در زمان جنگ همه کس احمقانه می میرد (پوپوسکو)
- * آژمند پیوسته نیازمند است (سعدی)
- * داستان بسیار غم انگیز زندگی این نیست که انسان ها فنا می شوند، بلکه این است که از دوست داشتن باز می مانند (سامرست موام)
- * شکست چیزی نیست غیر از دست کشیدن از تلاش (آلبرت هوبارد)
- * دنیا آنقدر وسیع است که برای همه ی مخلوقات جایی هست، به جای آنکه جای کسی را بگیرد، تلاش کنی دجای خود را بیابید (چارلی چاپلین)
- * از آن جهت نمی فهمی که نمی خواهی فکر کنی (نوسوف)
- * لبخند واگیردار، ناقل آن باش (ماکسول مالتز)
- * در جنگ مفهومی بنام پیروزی وجود ندارد و فتحی اگر باشد به اندازه ی شکست مصیبت بار است (آگاتا کریستی)
- * گرسنگی خدمتکار نبوغ است (مارک تواین)
- * شکم گرسنه را با آب و نان سیر می کنند ولی قلب گرسنه هرگز سیر نخواهد شد (کلنادن)
- * چنان باش که بتوانی به هر کس بگویی مثل من رفتار کن (کانت)
- * برای شوهر دانش لازم است و برای زن نجابت (ژرژ هربرت)
- * این افرادی که در انتخابات برنده می شوند بیشتر به این دلیل است که اغلب مردم می خواهند علیه فلان رای بدهند نه به نفع جهان (فرانکلین پی آدامز)
- * کسی که قانون را زیر پا می گذارد سرمشق بدی برای دیگران می شود خواه اگر خود مدافع قانون باشد (ماکیاولی)
- * خوش نامی برخی از افراد در جامعه از خصوصیات منفی سرچشمه می گیرد که به کار زندگی اجتماعی می آید (لارشفوکو)
- * انسان وقتی که بلند حرف بزند صدایش را می شنوند، اما وقتی که یواش حرف بزند همه به گفته اش گوش می دهند (پل رینو)
- * در قانون وقتی کسی به حقوق دیگری تجاوز کرد، مجرم شناخته می شود. در اخلاق وقتی کسی خیال تجاوز در سر پروراند، مجرم است (کانت)
- * هیچ چیز وجود ندارد، مگر اندیشه ای که آن را می سازد (شکسپیر)
- * اگر رنج آموختن را تحمل نکنی باید با بلای نادانی بسازی (فیثاغورث)
- * عظمت ما به عنوانم لت بستگی به وضعیت مالی هر یک از ما بعنوان فرد دارد (جورج کلاسون)
- * گرسنگی بهترین سس دنیاست (سروانتهدیستان را دست دلیری بسته است و پنجه ی شیری شکسته (سعدی)
- * توفان هر چه تندتر باشد، زودتر خاموش می شود (پرمودیترا)
- * مردم همواره نگران سرنوشت نبوغ اند (هنری میلر)
- * نبوغ انسان را حفظ می کند (هنری میلر)
- * کسانی هستند که لاقیدی در همه ابعاد هنری فساد و محتوی و بی بند وباری در شکل کاشران موج می زند نیم توانم آنان را به نام این که نو پردازند بپذیرم (هاینریش بل)
- * مردمانی که آرزو دارند فقر نمی شناسند، زیرا شخص به اندازه ی هدف هایش ثروتمند است (کیم ووچونگ)
- * هیچ چیز به اندازه ی فکرمان ما را گول نمی زند (فرانسوا لارشفوکو)
- * به جهان بشریت خدمت کنید و هیچ گاه از آن مکانی که وطن نام دارد دل برندارید. انسان باشید و ملیت خود را هرگز فراموش نکنید (پاستور)
- * تاریخ متعلق به کسانی است که در زندگی صرف دارند (کیم ووچونگ)

- * پیش از ازدواج چشم‌ها را خوب باز کنید و بعد از آن کمی آنها را روری هم بگذارید (فرانکلین)
- * رنجش‌های کوچک همچون طاعون عشق را نابود می‌کند (لئوبوسکالیا)
- * اگر به عشق اجازه دهید آزادانه جاری می‌شود و بر هر مانعی غال خواهد شد (برایان ال. وایز. دی)
- * کنفرانس، جلسه‌ای است: آدم‌های مهمی که به تنهایی هیچ کاری نمی‌توانند انجام بدهند برگزار می‌کنند تا تصمیم بگیرند که هیچ کاری نمی‌شود کرد (فرد آلن)
- * یکی از راه‌های مطمئن ترقی، کمک به ترقی دیگران است (واشینگتن)
- * آنچه استحقاق نگرانی و تشویش را داشته باشد هرگز وجود ندارد (پلاتو) اگر شما همه چیز را انکار کنید به راحتی به عنوان یک شخص عاقل مشهور می‌شوید. این یک حقه قدیمی است. آدم‌های خوش‌قلب فوراً فکر می‌کنند که شما در سطح بالاتری از آنچه که انکار می‌کنید قرار دارید (ایوان تورگنیف)
- * آدم‌های بدبین کسانی هستند که حس وجدان در آنها قوی است (بالزاک)
- * تمدن همان پوست بره‌ای است که بربریت بهریاکاری بر تنش کرده است (توماس آلد ریچ شاعر آمریکایی)
- * نجات آنجاست که خطر آنجاست (هولدرلین)
- * وقتی لب فرو می‌بندیم و سخنی نمی‌گوییم غیر قابل تحمل می‌شویم و آنگاه که زبان می‌کشاییم از خود دلگیری می‌سازیم (هرتا مولر)
- * انسان کائنات است، زیرا هر سنگ قبری تاریخ کامل هستی مدفون است (هاینه)
- * انسان از آنجایی که به خدا دسترسی ندارد، او را بر اساس خویشتن و ذات درونی خود توصیف می‌کند (سارتر)
- * انسان مسوول انتخاب عملکرد خود در قبال دیگران است و همین اختیار که عملکرد او را ارزشمند می‌کند (سارتر)
- * انسان نیم‌تواند خویشتن را به واسطه‌ی رویاهای ناامیدکننده، امیدها واهی و توقعات بیهوده توصیف نماید، بلکه اغلب افراد به دنبال شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت هستند. دیگری مسوول آنچه که روی داده است می‌دانند (سارتر)
- * چیزی که انسان بیش از هر چیزی به آن احتیاج دارد، حس همدردی است (مارک تواین)
- * انسان هر هنری را داراست مگر هنر استفاده از هنرهایش را (لوئی پانزدهم فرانسه)
- * فاجعه‌ی هنر امروز در این است که هنرمند هنر خویش را بر آشیان انسان بنیان نمی‌کند (روژه گاردوی)
- * از رنج کشیدن باید مغرور بود، هر رنجی نشانه‌ای و خاطره‌ای از مقام والای ماست (هرمان هسه)
- * فقط به بهای نظر کردن از خویشتن است که می‌توان و می‌شود با جوش و خروش و قدرت زیست (هرمان هسه)
- * آرزو سرابی است که هرگز نابود شود همه از تشنگی خواهند مرد (اسکار وایلد)
- * اولین طبیعه‌ی عشق آخرین تابش عقل است (آنتوان برت)
- * دشمنان را دوست بدار زیرا کسی بهتر از او اشتباهات تو را نمی‌گوید (فرانکلین)
- * کسی که شهامت خندیدن ندارد به اندازه‌ی کسی که آماده‌ی مردن است، ارباب دنیاست (جیاکومو لئوپاردی)
- * چگونه می‌توانم به کسی چیزی بیاموزم که خود نیاموخته‌ام (جمیز جویس)
- * هنرمند نیازمند خلق است (روژه گاردوی)
- * اگر می‌خواهی اندوهگین نباشی، حسود مباش (انوشیروان عادل)
- * یار اگر نادان باشد، تنهایی خوشتر است (بودا)
- * حتی اطفال هم آرزو دارند و اگر ما خبر نداریم برای این است که نمی‌توانند حرف بزنند (گوته)
- * زندگی که عبارت است از تولد، مرگ، جدایی و بیماری چنان غم‌انگیز است که مجبوریم آنرا فراموش کنیم (جمیز جویس)
- * کسی که خلاقیت دارد ولی آموزش نمی‌بیند، بال دارد اما پا ندارد (ژورف جوبرت)
- * وقتی انسان دوست واقعی دارد که خودش هم دوست واقعی باشد (امرسون)
- * هیچ شعری شاعر ندارد، هر خواننده شعری شاعران لحظه شعر است (پابلو نرودا)

- * نگاهت رنج عظیمی است، وقتی به یادم می آورد که چه چیزهای فراوانی را هنوز به تو نگفته ام (آنتوان سنت اگزوپری)
- * عصاره همه مهربانی ها را گرفتند و از آن مادرا ساختند (کریستوفر مارلو)
- * انسان در همان لحظه که تصمیم می گیرد آزاد باشد، آزاد است (ولتر)
- * بردن همه چیز نیست، اما تلاش برای بردن چرا (ونیس لومباردی)
- * برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد (پلوتارک)
- * تا وقتی که به قدرت نرسیده ای مطیع باش و چون به آن رسیدی متواضع باش (آنتوان فرانس)
- * ارزش اخلاقی بسته به تعداد وظایفی است که انسان انجام می دهد (مترلینگ)
- * شاهراه موفقیت پر است از زنهایی که شوهران خود را به پیش برده اند (چارلز دیکنز)
- * آدم پر حرف بذر می پاشد و آدم خاموش درو می کند (اقلیدس)
- * مردان ، آفریننده کارهای مهمند و زنان بوجود آورنده مردان (رومن ورلان)
- * جریان زندگی چیزی جز مبارزه میان عاطفه و عقل نیست (مارک تواین)
- * از این جهت می خندم که نیم توانم گریه کنم (لرد بایرون)
- * ما راضی نخواهیم شد تا زمانی که عدالت همچون سیلی و نیکوکاری همانند رودی خزروشان جاری شود (مارتین لوتر کینگ)
- * اقبال به سراغ کسی می رود که به کار عقیده دارد نه به اقبال (آلفونس دومارتین)
- * یکی از رنج های بشر، رنجی است که از عقاید تازه می برد (والتر بیگهوت)
- * چه کار داری راهنما کیست، بین راهنمایی چیست (ارنست رنان)
- * شکست خوردگان دیروز، فاتحان امروز را بوجود آورده اند (سولون)
- * دل انسان، اهرم تمام اعمال بزرگ است (بتهوون)
- * هر کس مرتکب اشتباهی نشده، اکتشافی هم نکرده است (گالیله)
- * نیک و سوت خویش را به زیان دیگران مخواه (زرتشت)
- * زندگی خود معجزه ای است که آن را توضیحی نیست و زنده ماندن خود تجلی این معجزه است (خانم گائو زینگ جیان)
- * ترس از مرگ زمانی در تو فزونی می یابد که جسمانی و روحانی ضعیف باشی (خانم گائو زینگ جیان)
- * تراژدی و کمدی در حقیقت وجود خارجی ندارند بلکه قضاوت های زیباشناسانه از زندگی بشر هستند که بر حسب اشخاص و زمان و مکان تغییر می یابند (خانم گائو زینگ جیان)
- * تنها در حالت آرامش است که زندگی را تداوم می بخشد و سعی در ادراک راز این لحظه زمان را دارد که آزادی حیات بدست می آید (خانم گائو زینگ جیان)
- * هیچ دردی بالاتر از یادهای روزهای خوش گذشته در دوران تیره بختی نیست (دانته)
- * زندگی هر کس چیزی نیست که اتفاق افتاده، بلکه آنگونه است که به یاد می آورد و بازگو می کند (مارکز)
- * یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت تجتناب از جنگ بتواند ارزش های اساسی خود را حفظ کند و اجتماع انسانی خود را فارغ از هرگونه تهدید به سمت توسعه هدایت نماید و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد (والتر لیمین)
- * بیشتر کسانی موفق شد هاند که کمتر تعریف شنیده اند (امیل زولا)
- * امر سیاست در ایجاد فرصت نیست، بلکه از فرصت استفاده کردن است (فدریک کبیر)
- * زندگی درس طولانی است که با تواضع داده می شود (جمیز باری)
- * انسان در کار دیگران عاقل تر است تا در کار خویش (لارشفکو)
- * آزادی با امنیت توأم است. آزادی مایه یکانگی و برابری است. محو و نابود باد آزادیخواهان دروغین (محمد خیابانی)
- * اضطراب در حیات افراد و در حیات جماعت یک عامل بیداری احتیاط و تدبیر است (محمد خیابانی)
- * مللی که در آغوش امنیت و اسودگی بسر می برند رو به انحطاط می گذرانند (محمد خیابانی)

- * بادی همیشه در اضطراب و اندیشه باشیم (محمد خیابانی)
- * یک دموکراسی که سالهای سال در تحت ظلم و استبداد زندگ کرده است نمی تواند در یک روز خویشتن را از اثرات مشومه زندگانی سابق خود نجات دهد (محمد خیابانی)
- * تکلیف آن کاری را باید دانست که اسنان مجبور است بکند و هر گاه نکند وجدان او دچار عذاب و گرفتار می شود (محمد خیابانی)
- * یک شخص وظیفه شناس همیشه بیدار است و کلیه حوادث زندگانی را از نقطه نظر خودش ملاحظه نموده و می کوشد تا تکلیف و وظیفه خودش را در آن حوادث معین دارد (محمد خیابانی)
- * خود را از پیش آماده کن تا ضربات تقدیر را سبک احساس نمایی (دیوژن)
- * دشمن کوچک وجود ندارد (فرانکلین)
- * در سرزمین بی عدالتی ها، یا باید زر داشت یا باید زاری کرد (ژان ژاک روسو)
- * درخت آزادی را باید گاه با خون ستم پیشگان و مخالفان آزادی آبیاری کرد (توماس جفرسون)
- * هر که در زندگی نانش نخورند، چون بمیرد نامش نبرند (سعدی)
- * موقعی که برای قصد مبارزه برای آزادی و حقیقت بیرون می روی هرگز نباید شلوار نوی خود را بیوشی (هنری ایبسن)
- * برای دشمنت کوره ای چندان سوزان مساز که تو را بریان کند (شکسپیر)
- * روزگار نسبت به کسی که بداند وقت خود را چگونه مصرف کند فوق العاده مهربان است (لرد آووری)
- * مشغول نبودن با زنده نبودن یکی است (ولتر)
- * تنها مرگ است که دروغ نمی گوید (صادق هدایت)
- * همه از مرگ می ترسند، من از ندگی سمجم (صادق هدایت)
- * پیشرفت باید از مرکز شروع شود ن هاز محیط (برنارد شاو)
- * انسان نابود نشدنی است، چرا که همیشه میل به آزادی داشته است (فاکنر)
- * وقتی یک هیولای خودخواهی انسان از بین می رود یکی دیگر سر بر می آورد که تحول نسل انسان را بخطر می اندازد (جک لندن)
- * کاری که لغات زیادی نمی داند با مرد داشتند برابر است (جک لندن)
- * حکومت فکر به وسیله لغات فرمانروایی می کرد این حکومت در حال زوال است (جک لندن)
- * پیشیهای یک مرد فقیر هم بهترین درام را در دسترس او و خانواده اش می گذارد (جک لندن)
- * هیچ مردی نمی تواند خارج از شرایط زمان و مکان خود آذانه کار کند و بیندیشد (کارلایل)
- * طولانی تر زیستن تقریباً آرزوی همه است، اما خوب زیستن آرمان عده ای معدود است (هیوز)
- * حقیقت مانند شیر درنده ای است ک هاگره مبه دام افتد همه ترجیح می دهند همواره در قفس باشد (شکسپیر)
- * ادب از زمانی که بشر خودش را شناخت با او همراه است (پابلو نرودا)
- * دوستدار هنر از خود هنرمند بیشتر لذت می برد (بزرگ علوی)
- * به نظر من اغتشاش در هدف و دیدن کمال در وسیله، از مشخصات عصر ما هستند (انیشتن)
- * زندگی شگفتی بزرگی است و دلیلی نمی بینم که مرگ شگفتی بزرگ تری نباشد (ولادیمیر نابوکاو)
- * اگر عدالت محو شود دیگر زندگی مردم روی زمین به زحمتش نمی ارزد (کانت)
- * قبل از سوار شدن اسب آرزوها، آن را زین کن (ماری وپ)
- * انسان روزی که از شکم مادرش بیرون می آید زاده نمی شود، بلکه در مکان و لحظه ای که نطفه اش بسته شده است، متولد می شود (ژان ماری کلو کزیو)
- * ریشه کن کردن بی سوادی به عنوان سرفصلی برای تاریخ ما به اندازه براندازی برده داری مهم و حیاتی است (خانم دکتر مایا آنجلو)
- * طرح یکدست جهنم محصول نبوغی عظیم است (پوشکین)

- * بشر تنها موجودی است که از مرگ اطلاع دارد ولی باز فعالیت می کند و امیدوار است (احمدرضا احمدی)
- * زندگی یک فرایند است (ایزابل آبنده)
- * مرگ هم جزئی از خلقت است. جزئی از فرایند زندگی است. نباید از مرگ ترسید بلکه باید آن را پذیرفت. باید آن را درک کرد (ایزابل آبنده)
- * چیزی که زندگی را باارزش میکند، همین توانایی در زمان حال است و نه آرزوی برآورده شده رویاها و مدام در اندیشه آینده بودن (ایزابل آبنده)
- * بدون آزادی کامل زنان هیچ ملتی نمی تواند به پیروزی کامل دست یابد (لنین)
- * آزادی مهم است، آری، آنقدر مهم که باید جیره بندی اش کرد (لنین)
- * ایستاده مردن بهتر از به زانو زیستن است (اسپارتاکوس)
- * یک فیلسوف تا بحال هرگز یک روحانی را نکشیده است، در حالیکه روحانیون فلاسفه زیادی را کشته اند (دنیس ویروت)
- * اولین روحانی جهان اولین شیادی بود که به اولین ابله رسید. (ولتر)
- * وقتی مردم بیشتر آگاه می شوند، کمتر به روحانی و بیشتر به معلم توجه می کنند. (رابرت گرین اینگر سول)
- * وقتی مروجین مذهبی به سرزمین ما آمدند، در دست اشان کتاب مقدس بود، ما در دست هایمان زمین هایمان را داشتیم، پنج‌سال بعد ما در دست کتاب مقدس داشتیم و آنها در دست زمین های ما را داشتند. (جومو کیاتا)
- * روحانی نسبت به برهنگی و رابطه طبیعی دو جنس حساسیت دارد، اما از کنار فقر و فلاکت می گذرد. (سوزان ارتس)
- * کشیش ها می گویند که آنها به مردم بخشیدن و خیریه می آموزند. این طبیعی است چون آنها خود از پول و صدقه مردم زندگی می کنند. همه ی گداها می آموزند که مردم باید پول بدهند. (رابرت گرین اینگر سول)
- * قسمت هایی از انجیل را که من نمی فهمم، ناراحت نمی کنند، قسمت های از آن را که می فهمم معذب می کنند (مارک تواین)

* مذهب مردم را متقاعد کرده که مردی نامریی در آسمانها زندگی می کند که تمام رفتارهای تو را زیر نظر دارد، لحظه به لحظه این مرد نامریی لیستی دارد که از تمام کارهایی که تو نباید آنها را انجام دهی و اگر یکی از این کارها را انجام ندهی او تو را به جایی می فرستد که پر از آتش و دود و سوختن و شکنجه شدن و ناراحتی است و باید تا ابد در آنجا زندگی کنی. رنج بکشی و فریاد و ناله کنی و او تو را دوست دارد. (جورج کالین)

* یکی از بزرگترین تراژدی های بشریت این است که اخلاقیات بوسیله دین دزدیده شده است. (آرتورسی کلارک)

* آنجا که علم پایان می یابد، مذهب آغاز می گردد. (بنجامین دیزارئیلی)

* دین افساری است که به گردن می اندازند تا خوب سواری دهید و هرگز پیاده نمی شوند، باشد که رستگار شوید. (کائو چیو)

* گرفتن آزادی از مردمی که نمی خواهند برده بمانند، سخت است، اما دادن آزادی به مردمی که می خواهند برده بمانند، سخت تر است (لوتر کینگ)

* تو را دوس تدارم بدون آنکه علتش را بدانم. محبتی که علت داشته باشد یا احترام است یا ریا (لامارتین)

* شاید بتوانی کسی را که خواب است بیدار کنی ، اما کسی که خود را به خواب زده هرگز (چارلی چاپلین)

* زندگی به من آموخت بودن کسانی که دوستشان داریم از همه چیز با ارزش تر است (والیت ویتمن)

* از همه اندوهیگن تر شخص است که از همه بیشتر می خندد (سارتر)

* مشکل دنیا این است، که احمق ها کاملا به خود یقین دارند، در حالیکه دانایان، رشار از ک و تردیدند (برتراندراسل)

مثل های ملل

مثل های آلمانی

خدا شیر را می دهد؛ ولی سطل را نمی دهد

خیلی ارزان؛ خیلی گران است
 در گل و لای افتادن ننگ نیست؛ ننگ آنست که در آن بمانی
 آزادی مرد فقیر آن است که به او اجازه داده شود گدائی کند
 استراحت مدام پا را خسته می کند
 انسان؛ عاشق زیبایی نمی شود بلکه آنچه عاشقش می شود در نظرش زیباست
 عشق یک چشم دارد و نفرت کور است
 هنگام ازدواج بیشتر با گوشه‌ای بیشتر بین تا با چشم‌های
 مال خوب از دور داد می زند
 نادان از تجربه خودش پند می گیرد و دانا از تجربه نادان
 سرزنش‌هایی هست ستایش آمیز و تعریف‌هایی هست که در واقع نوعی بد گوئی است
 با این که ایام برادرند؛ ولی بندرت شبیه یکدیگرند
 با دیگران کم حرف بزن؛ با خودت بیشتر
 بد گمانی مادر ایمنی است
 به گرگ چلاق اعتماد نکن؛ مگر اینکه خودت پایش را شکسته باشی
 ممکن است کسی مدتی طولانی حرف بزند اما هیچ مطلبی را نگوید
 کسی که خوب فکر می کند لازم نیست زیاد فکر کند
 حقیقت ته چاه است
 در جوانی بسیاری از چیزهایی که غلط هستند باور نداریم؛ در پیری بسیاری از حقایق را که صحیح اند را باور نداریم
 قول مانند ماه کامل است که اگر ایفا نشود روز به روز بیشتر کاهش می یابد
 یک گنجشک در دست بهتر از هر چیز دیگری روی ام منزل می کند
 هیچکس خوشبخت تر از کسی نیست که فکر می کند خوشبخت است
 یک دروغ تبدیل به راست می شود وقتی که آدم آن را باور کند
 درخواست ها گرم؛ ولی تشکرات سردند
 عشق و نفرت؛ خویشاوندان نزدیک هستند
 غرور بیش از فقر گدائی می کند
 پولی که از کلاهبرداری بدست می آید؛ خرج کله کچل می شود
 پوتین باید با گل و لای بسازد
 بدهکار شناگری است که پوتین در پا دارد
 بهترین؛ غالباً دشمن خوب است
 تملق سمی است شیرین
 آنچه را که طبیعت رنگ می کند هرگز نمی پرد
 فضیلت یعنی هماهنگی
 : شوهری خوشبخت کسی است که زن او در اجتماع نجیب ترین باشد و در آشپزخانه بهترین طبخ
 کسی که نمی تواند ارباب را ببیند؛ تملق نوکر را می کند
 یکبار حساب نیست؛ یکبار چون هیچ است
 اگر مال من و تو از میان برود دنیا بهشت می شود
 آنچه در جوانی کج و معوج شده در پیری راست نمی توان کرد
 در نظر مرغ؛ کرم همیشه خطا کار است
 سخن مرد فراتر از مرد می رود

برای عشق عروسی و برای پول کار کن
 امید تخم مرغ بزرگی است که گروهی پوستش را در اختیار دارند؛ گروه دیگر سفیده و گروه سوم زرده اش را
 سایه برج از خود برج بزرگتر است
 در گل و لای افتادن ننگ نیست، ننگ آنست که همانجا بمانی
 استراحت مدام پا را خسته می کند
 انسان عاشق زیبایی نمی شود بلکه آنچه عاشقش می شود در نظرش زیباست
 سایه بر از خود برج بزرگتر است
 سخن مرد فراتر از خودش می رود
 مردان اسرار دیگران را حفظ می کنند و زنان اسرار خود را
 سکوت حصار است دور حکمت
 سواره و پیاده هنگام غروب به یک کارونسرا می رسند
 حق همیشه توفیق نیالفته است ولی موفقیت همیشه بر حق است
 خدا اشک را آفرید تا آتش درونی را خاموش کند
 اگر قورباغه را در صندلی طلا بنشانی مجدداً در مرداب می جهد
 شانس و شیشه زود می شکنند
 تملق سمی است شیرین
 بهترین غالباً دشمن خوب است
 بدهکار شناگری است که پوتین در پا دارد

اسپانیولی

برای کسی که زیاد می بیند یک چشم کافی است
 حرص یگانه شهوتی است که هرگز پیر نمی شود
 عشق مانند سوپ است، لقمه اول داغ است و لقمه های بعد بتدریج سرد می شود
 از فرط غرور(نه) و از فرط ضعف (آری) مگو
 گل سرخی که آن را زیاد بویش کنند عطر خود را از دست می دهد
 وقتی چیزی داری گنگ باش و وقتی چیزی گرفتی حرف بزن
 کسی که فاضلابش را تعمیر نمی کند مجبور می شود تمام خانه اش را تعمیر کند
 کسی که خروسش را تنها می خورد اسبش را تنها زین خواهد کرد
 در دنیا دو خانواده وجود دارد، داراها و ندارها
 وقتی که متخلفین جمع می شوند شیطان می رود که شام بخورد
 کسی که تو را به گریه می اندازد، دوستت دارد
 آدم متقلب مانند زنبور در دهان عسل دارد و در دم نیش
 بیماری که مقدر شد نمیرد احتیاج به داروئی غیر از آب ندارد
 خیابان(زود) به میدان (هرگز) می رسد
 سه نفر که به یکدیگر کمک کنند بار شش نفر را توانند برداشت

روسی

در مرداب دروغ چیزی جز ماهی های مرده شناور نیست
طلا را با آتش محک می زنند
شیرینی جات بدن را می خورند و احساسات روح را
پول حاضر و آماده جادوگر است
همه ما از بالا تا کمر انسان هستیم و زیر کمر جانور
وقتی پول حرف می زند حقیقت سکوت می کند
خویشاوندان دوستان اجباری اند
برای کسی که شکمش خالی است هر نوع باری سنگین است
بسیاری از آدم ها در خارج از خانه خود دنبال مس می گردند، در حالیکه که در داخل خانه آنها طلا هست
بد اقبالی، حاصلخیز است
به اندازه لباس پایت را دراز کن
نان پدر است و آب مادر
با سکوت می توانی شیطان را عصبانی کنی
اسب نیست که ارابه را می کشد، جو این کار را می کند
اگر به مهمان گرگ می روید سگ خود را به همراه ببرید
طلا را با آتش محک می زنند (مثل روسی)

هندی

خریدار به صد چشم احتیاج دارد دکاندار حتی به یک چشم نیازمند نیست
پیروزی فضیلت، موجب انحطاط ردیلت می شود
یک همسر، جفت آدم نیست او کل تقدیر انسان است
اگر می خواهی بدانی شیر چه قیافه ای دارد به گربه نگاه کن
زیر چراغ تاریکی است
آدم نابینا یک بار عصایش را گم می کند
آن مرغ دلیر است که در گوش گربه ماوا می گیرد
احمق چون نمی داند چطور راه برود داد می زند که راه ناهموار است
بینوا غذایی طلبد و پولدار اشتها
برای آنکه بزرگ باشی نخست باید کوچک باشی
اندوه نخست مغز را از میان می برد سپس جسم را
زیانت را نگاه دار تا دوستت را نگاه داری
پول، پول رل پیدا می کند
قول زن نقش بر آب است
اگر از آدم گرسنه بپرسید دو دوتا می گوید چهار قرص نان

ژاپنی

افراد ماهر هم اشتباه می کنند و هیچ کس عاری از اشتباه نیست
انسان از پیروزی چیزی یاد نمی گیرد، ولی از شکست خیلی چیزها یاد می گیرد
مرگ هم بزرگتر از کوه است و هم کوچکتر
اگر از کسی متنفری، بگذار زنده بماند
کاهلان وقت فراغت ندارند
شمشیری علیه مهربانی وجود ندارد
درختی که میوه می دهد از گلپایش پیداست
روح زن و بادهای بهاری پیوسته در معرض تغییر است
برای مورچه چند قطره باران سیل است
ابر سیاه فقط تهدید می کند، ابر سفید باران می بارد
اگر می خواهی در دنیا پیشرفت کنی نخست به دیگران کمک کن پیشرفت کنند
کسی که با گرگ برگ شده باشد می داند چطور و چه وقت زوزه بکشد
وقتی از پا می آفتی نزد همه منور می شوی
ملاقات آغاز جدائی است
کسی که پول می دزدد اعدام می شود و کسی زمین می دزدد شاه می شود

دانمارکی

خوشبختی و شیشه زود می شکنند
به هیچکس اجازه مده توی قلبت و یا کیفیت را نگاه کند
انسان باید با دیگران کم و با خودش بسیار سخن بگوید
خیلی کم و خیلی زیاد هر چی را ضایع می گرداند
در را طوری ببند که بتوانی بازش کنی
زخم قدیمی زودتر سرباز می کند
امید رویای بیداران است
حکمت سبک ترین بار سفر است
آخر شوخی به دعوا می کشد
سخن راست گفتن خطرناک است، سخن راست شنیدن ناراحت کننده
ستایش و تعریف یک انسان خوب او را جوانتر می کند و یک انسان بد را بدتر
آن که با (های) می آید با (هوی) هم می رود
از دشمن توقع دوستی داشتن بمثابة انتظار سازگاری بین آتش و پنبه است
بچه های کوچک غم های کوچک، آدم های بزرگ غم های بزرگ
در را طوری ببند که بتوانی بازش کنی
وقتی که در دل جا باشد، در خانه هم جا هست

فرانسوی

زن شیطان کامل است
 زن پیمانش را روی شن می نویسد
 ازدواج زودش اشتباهی بزرگ و دیرش اشتباه بزرگتری است
 هر کس نگهبان شرافت خویش است
 کسی که به امید شانس زنده است سالها قبل مرده است
 اندرز دادن خوب است ولی درمان کردن بهتر
 آن که تهدید می کند، همیشه می ترسد
 لبخند ارباب برای رعیت نهار نمی شود
 انتقاد آسان است و هنر دشوار
 از سوالات یک مرد درباره اش قضاوت کن نه جوابهایش
 اگر نتوانیم آنچه را دوست داریم بدست بیاوریم باید آنچه را در اختیار داریم دوست داشته باشیم
 لگد بهتر از طعنه است
 صلح پول تولید می کند و پول آتش جنگ را بر می افروزد
 عشق بدون حسادت وجود ندارد
 تمام اختلافات از تضاد بر می خیزد

گرجستانی

- ۱: قرض فقری است که توام با مصیبت است
- ۲: فقط کفش می داند که جوراب سوراخ است یا نه
- ۳: عشق بزرگ به دنبال نفرت بزرگ می آید
- ۴: ماهی گفت: حرفهای زیادی دارم بزخم ولی دهانم پر از آب است
- ۵: نفس موسیقی زندگی است
- ۶: عرق بریز تا رستگار شوی
- ۷: عدالت قدرت است
- ۸: کسی که مزه بدبختی را نچشیده نمی تواند از نیک بختی لذت برد
- ۹: آدم محتاط از سکندری خوردن حذر می کند ولی وقتی که سکندری خورد گردش می کند
- ۱۰: هر مرد در خانه خود ارباب است
- ۱۱: وقتی که درختی به تنهائی در برابر باد مقاومت میکند می شکند
- ۱۲: خروس نمی تواند از دوستی با روباه نفع ببرد
- ۱۳: شبنم باران نیست ولی به اندازه باران مفید است
- ۱۴: یا پول در جیب داشته باش و یا زبانی شیرین در دهانت
- ۱۵: یک مرد بزرگ عیوب مرد کوچک ت نمی بیند

چینی

به چشم بیش از گوش اعتماد کن

با صبر و بردباری برگ توت تبدیل به پیراهن ابریشمی می شود
با جای این که به تاریکی لعنت بفرستی یک شمع روشن کن
زشت ترین ترک ها در گلدان دیده می شود
سه راز خوشبختی عبارت است از: بدی ندیدن، بدی نشنیدن و بدی نکردن
قلب انسان طبیعتاً عادل است
لیاقت داماد به قدرت بازوی اوست
یک لحظه اشتباه یک عمر اندوه به بار می آورد
مهربانی های کوچک را فراموش نکن و تقصیرات کوچک را به یاد نداشته باش
مسافت های هزارفرسنگ با یک قدم شروع می شود
انسان صدسال زندگی می کند اما غصه هزاران سال را می خورد
مردی که کوه را از میان برداشت کسی بود که شروع به برداشتن سنگ ریزه ها کرد
قایق محبت حتی بر کوه صعود می کند
ذتهای ما، سطحی و دردهای ما، عمیق است
گذشته را بدانید تا آینده را بدانید
آنکس که جرات مبارزه در زندگی ندارد به اجبار دار را بر گردن می اندازد